

رسوایی جهانی جمهوری اسلامی به دلیل نقض شدید حقوق بشر در ایران

عفو بین الملل

در ایران ظرف سه سال ۵ هزار نفر اعدام شده اند

گفته شده است که طی ۳ سال اخیر بیش از ۵ هزار نفر در ایران اعدام شده اند و این اعدامها دنباله ۱۰ سال نقض و پایمالی بیرحمانه و سفاکانه بنیانی ترین حقوق انسانها در جمهوری اسلامی است. سازمان عفو بین الملل در این اعلامیه به فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی در ایران اشاره کرده و نوشته است که طی دوره شش ماهه در سال ۱۹۸۸ متجاوز از ۲۵۰۰ زندانی سیاسی به دستور یک "کمیته مرگ" در ایران اعدام شده اند. نشریه "اکثریت" در زمستان سال ۶۷ اسامی دست اندکاران اصلی این کشتار همگانی و اعضای "کمیته بقیه در صفحه ۲

متحد تلاش بسیاری کرد که مانع از تصویب قطعنامه مذکور گردد، اما موفق نشد. پس از آن مقامات وزارت امور خارجه اعلام کردند، تنها در صورتی که در مجمع عمومی لحن قطعنامه تعدیل شود، همکاری با بازرس ویژه را ادامه خواهند داد.

اعلامیه عفو بین الملل

همزمان با تصویب قطعنامه مربوط به نقض حقوق بشر در ایران، سازمان عفو بین الملل نیز در یک اعلامیه شدیدالحن ۶۳ صفحه ای پایمال کردن حقوق بشر در جمهوری اسلامی را با شدت محکوم نمود. در این اعلامیه

متحد قطعنامه ای در مورد نقض شدید حقوق بشر در ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی به تصویب رساند. این قطعنامه برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارایه خواهد شد. این قطعنامه بر پایه گزارش ریتالدو گالیندوپل بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل که چندی پیش به ایران سفر کرده است تنظیم شده و در آن نقض حقوق بشر در ایران به صراحت مورد تاکید قرار گرفته است. در این قطعنامه گفته شده که از ماه مارس (اسفند ۶۸) تا کنون دست کم ۱۱۳ نفر توسط جمهوری اسلامی اعدام شده اند. نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل

روز سه شنبه ۱۳ آذرماه ۲۰ دسامبر ۱۹۹۰ - کمیسیون حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل

اعتصاب فرهنگیان شهرهای بیشتری را دربرگرفت

رژیم به اعمال فشار بر فرهنگیان و سرکوب آنان دست زده است

کارگران خواهان افزایش حداقل دستمزدها شدند

اعتصاب فرهنگیان که از ۲ هفته پیش آغاز شد، به تدریج دامنه وسیع تری به خود گرفته و به بسیاری از شهرهای کشور گسترش یافته است. رژیم جمهوری اسلامی در برابر این اعتصاب سکوت کامل کرده و مانع بروز هرگونه خبری در مورد آن می گردد. به همین دلیل از ابعاد و کیفیت این اعتصاب هنوز خبرهای کافی و موثقی در دست نیست. گزارشات و اخبار رسیده حاکی از آن است که این اعتصاب یک حرکت مهم و در نوع خود بی سابقه اعتراضی فراروید و معلمین و فرهنگیان در بسیاری از شهرها نظیر اصفهان، ارومیه، اکثر شهرهای آذربایجان،

زاهدان، کرمان و بخش هایی از تهران به اعتصاب پیوسته اند. این اعتصاب به دلیل گرانی کمرشکن و زندگی طاقت فرسای که مردم را به جان آورده، شکل گرفته است. طی چند هفته اخیر و پس از سخنرانی و تظاهرات رفسنجانی در نماز جمعه ۴ آبان که مدعی شد تورم را به ۸ درصد رسانده است، قیمت ها به طور بی سابقه ای افزایش یافت و همراه با گران کردن نرخ برخی اقلام از سوی دولت و سپس زمزمه افزایش ناچیز حقوق ها، رشد فیرمنتظره ای یافت. رژیم جمهوری اسلامی که سیاست سکوت کامل نسبت به اعتصاب معلمین را در پیش گرفته با وعده دادن های می کوشد تا نارضایتی معلمین و فرهنگیان را مهار کند و به اعتصاب آنان پایان بخشد. توجه به معلمین و تقدیر از آنان در سخنان مسئولین ریز و درشت حکومتی طی دو هفته اخیر جایگاه بسیار مهمی یافته است. رفسنجانی در نماز جمعه ۹ آذر بخشی از سخنان و وعده های همیشگی اش را به معلمین اختصاص داد و پس از آن نیز مسئولین مربوطه این سیاست را دنبال کردند. وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد فوق العاده شغل معلمان ۲۵ درصد افزایش می یابد. معاون اداری و مالی وزارتخانه نیز خبر

بقیه در صفحه ۲

نامه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به سران کشورهای شرکت کننده در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا

اشغال مناطق فلسطینی توسط اسرائیل، و یا دستیابی به بخشی از کویت، این کشور را تخلیه خواهد کرد، و از سوی دیگر جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا هفته گذشته بار دیگر تاکید کرد که برای مقابله به بغداد نمرود، و عراق باید بدون قید و شرط از کویت خارج شود. مجلت تعیین شده در قطعنامه شورای امنیت، بر پیچیدگی بقیه در صفحه ۳

بحران منطقه در مسیر یافتن پایانی صلح آمیز؟

بغداد و واشنگتن، به نظر می رسد طرفین راه هر گونه سازش را بسته اند: از یک سو رژیم صدام حسین مکان بر این موضع پافشاری می کند که تنها در صورت گرفتن امتیاز متقابل، مثلاً پایان

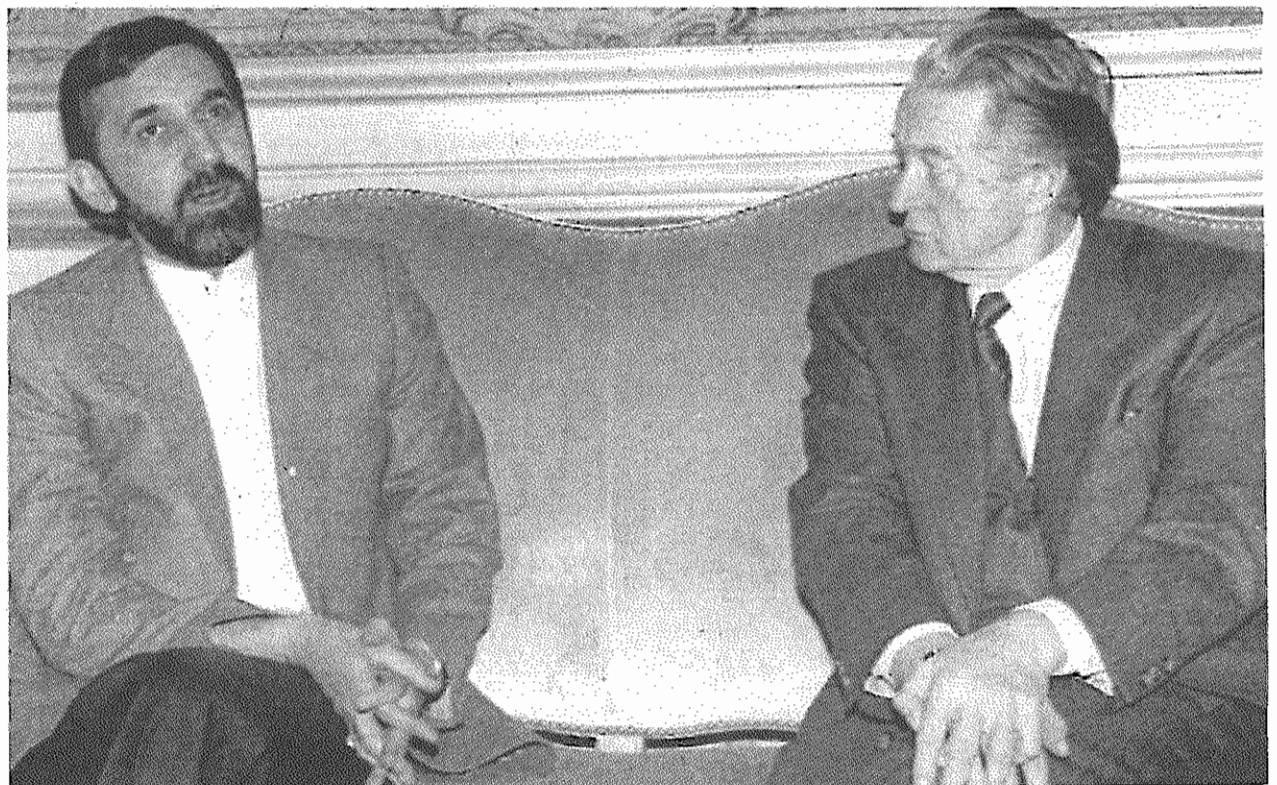
فعالیت های دیپلماتیکی که برای پایان دادن به بحران خلیج فارس بدون درگیری نظامی صورت می گیرد، و هلیرقم سفرهای قریب الوقوع وزرای خارجه آمریکا و عراق به

پدیده های به نام دانشگاه آزاد اسلامی

گرفت، نشان داد که گردانندگان آن از همان آغاز علاوه بر اهداف سیاسی، می دانستند که چه دکان نان و آب داری را دارند باز می کنند. در دیماه ۶۱، ضوابط پذیرش به دانشگاه آزاد اعلام شد و اولین کنکور این دانشگاه با شرکت ۳۲ هزار دبیلمه چندی بعد برگزار گردید. اولین دوره دانشاه در آبان ۶۲ با ۲۷۵۰ دانشجو افتتاح شد. در این هفت سالی که از تاسیس دانشگاه آزاد می گذرد، موسسات دولتی و از جمله دانشگاه ها با توجه به اینکه دانشگاه آزاد، صفت "اسلامی" را هم یک می کشید و مهر تایید آخوندهای گردن کلفت را هم داشت، موظف بوده اند امکانات فراوان، از جمله ساختمان و آزمایشگاه در اختیار این موسسه بگذارند. به تدریج جنبه تجارت دانشگاه آزاد بر جنبه سیاسی آن چربیده است و اکنون، این "دانشگاه" با ۲۴۰ هزار دانشجو، رقیب جدی دانشگاه های دولتی است. تفاوت اصلی "دانشگاه آزاد" با دانشگاه های دولتی، شهریه های گزاف آن است. به نوشته روزنامه کیهان ۲۲ آبان، امسال دانشگاه آزاد، از دو بخش "ثابت" و "متغیر" تشکیل شده است. در رشته های فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و علوم اقتصادی، شهریه هر ترم برای دوره کاردانی (فوق دیپلم) یک مبلغ بقیه در صفحه ۳

از همه جالب تر است، دانشگاه آزاد در مقابل دانشگاه های دولتی است. ماجر از نماز جمعه ۳۱ اردیبهشت ۶۱ شروع شد. دو سال از انقلاب فرهنگی حضرات و نزدیک به یک سال از کودتای خرداد ۶۰ می گذشت. آخوندها، دیکتاتوری تمام عیار خود را برقرار کرده بودند. همه استادان و دانشجویان "نامطلوب" از دانشگاه ها اخراج شده بودند و هزاران تن از آنها را به جو خه های اعدام و شکنجه گران سپرده بودند. با این حال، هنوز دانشگاه های تعطیل شده، از نظر فقه کاملاً "اسلامی" نشده بود، هنوز اعتماد لازم را به دانشگاه ها و دانشجو نداشتند. فکر بکری که به مخیله مفکر رژیم، هاشمی رفسنجانی رسید، این بود که "دانشگاه آزاد اسلامی" را راه بیندازند، موسسه ای که هدف اصلی آن، تربیت "متخصصین متعهد" اعلام شد، تا بلکه بالاخره به نفع گرداندن امور روزمره رژیم، میان "تعهد" و "تخصص" آشتی ایجاد کنند، تا بلکه رژیم به "متخصص های غیر خودی" بی نیاز شود. "جامعه اسلامی دانشگاهیان" و "جهاد دانشگاهی" پس از سخنان رفسنجانی دست به کار شدند و مقدمات به راه انداختن "دانشگاه آزاد اسلامی" فراهم آمد. سرهتی که با آن به راه انداختن این موسسه انجام

یکی از "دستاوردها" جمهوری اسلامی، تقسیم همه پدیده ها به دو نوع "آزاد" و "کوپنی" است: مرغ آزاد و مرغ کوپنی، پنیر آزاد و پنیر کوپنی، برنج آزاد و برنج کوپنی و... آنچه



روابط اقتصادی، نقش فرانسه در برنامه پنج ساله اقتصادی رژیم، اوضاع منطقه خلیج فارس، افغانستان و لبنان به عنوان مسائل مورد گفتگو در این دیدارها عنوان شده است.

هلی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در ملاقات هفته گذشته با رونالد دو مازیر خارجه فرانسه در پاریس، ولایتی در سفر خود به فرانسه با نخست وزیر این کشور نیز ملاقات کرد. حل اختلافات مالی، گسترش

اعلامیه مشترک:

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
سازمان فدائیان خلق ایران
حزب دموکراتیک مردم ایران

توطئه علیه جنبش ملی-دمکراتیک مردم کردستان را محکوم میکنیم.

با گذشت هر روز، پیامدهای نگرانی آور قرار و مدارهای پشت پرده دو رژیم حاکم بر ایران و عراق، آشکارتر می شود. بیشترین و نخستین قربانی این معاملات، مردم کرد در ایران و عراق اند. رژیم صدام حسین که از چندی پیش، به منظور هموار کردن راه ساخت و پاخت با حکومت آخوندها، سیاست در تنگنا قرار دادن فعالیت اپوزیسیون ایرانی مقیم عراق را پیش گرفته بود، اینک در پی آشتی با دولت ایران به تشدید آشکار چنین سیاست ناجوانر دانه ای پرداخته است.

اجبار حزب دموکرات کردستان ایران به تخلیه برخی مناطق استقرار پیشمرگان این حزب در نوار مرزی، بی تردید سرآغاز محدودیت های بیشتر است. دولت صدام حسین که در موضع ضعفی قرار دارد و پایبند هیچ معیار انسانی نیست، حاضر شده است بتدریج خواسته های جمهوری اسلامی را برآورده سازد.

یادآوری و تاکید این نکته مهم ضرورت دارد که طی ۸ سال جنگ خانمان بر انداز، مصیبت های بیشماری متوجه مناطق کردنشین دو کشور گردید. در طی چند سال گذشته جمهوری اسلامی ایران با ادامه گسترش جنگ در کردستان موجب کشتار وسیع مردم بی دفاع گشته است. طبق آمار حزب دموکرات کردستان ایران، بیش از ۵۰ هزار نفر از مردم بی دفاع بسیاری از روستاهای کردستان کشته شده اند. در تمام این مدت، سیاست هر دو رژیم ضدبشری در جهت تلاش برای بهره گیری از امکانات جنبش ملی کرد در کشور مقابل قرار داشت. علی رغم این وضع دشواری و حساس، رهبری حزب دموکرات کردستان ایران با هوشیاری و دوراندیشی و با توجه به مسئولیت و عواطف میهنی و سیاسی خود در

اعتصاب فرهنگیان

بقیه از صفحه اول

داد که طی برنامه ۵ ساله ۱۴۰ هزار تن از فرهنگیان صاحب مسکن می شوند. گفته شد در هر ماه به ۱۰ هزار تن از فرهنگیان وام مسکن داده خواهد شد. برای آنان بیمارستان های ویژه ساخته خواهد شد...

این وعده های شیرین که همه مربوط به آینده است نتوانسته فرهنگیان و معلمین اعتصابی را بفریبد. شرایط زندگی در ایران دشوارتر از آن است که بتوان با وعده های شیرین آن را تحمل کرد. فشار بردوش توده های مردم تا به آن اندازه زیاد است که رئیس مجلس نیز مجبور شد به آن اعتراف کند. کربوبی در سخنرانی به مناسبت روز پرستار گفت: گرانی و تورم سرسام آور است و هزینه ها روز به روز بالا می رود و مسکن بیداد می کند. حقوق ها کفایت این همه بار سنگین را نمی کند. وی اضافه کرد: تا زمانی که سرمایه داران زالوشت این چنین در مسائل اقتصادی ریشه دواند باشند، هیچ کاری اثر نمی کند. تجربه ۱۲ ساله نشان داده است که تنها سرمایه داران هستند که جویجاد می کنند و حرف خود را پیش می برند.

خبرهای رسیده حاکی است رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر وعده دادن برای بهبود زندگی در آینده در حفا سرکوب اعتصاب معلمین را دنبال می کند. گزارش های مبنی بر اعزام مامورین سرکوبگر برای درهم شکستن اعتصاب معلمین در ارومیه و زاهدان و هم چنین دستگیری های وسیع به دست ما رسیده است. وحشت رژیم به ویژه گسترش اعتصاب به سایر بخش های مردم است.

نارضایتی های شدید موجود، این امکان را منتفی نمی سازد که اقتضای دیگری از مردم نیز به اعتراض مستقیم روی آورند. روز ۱۲ آذر ۳۳ تن از نمایندگان جامعه کارگری در دیدار با خبرنگاران رسانه های گروهی خواست افزایش حداقل دستمزد کارگران شدند. توده های کارگر خواست افزایش حداقل دستمزد

ایران، مانع از آن شد که سرنوشت جنبش ملی - دموکراتیک کرد به سرنوشت جنگ و تخاصم دو رژیم گره بخورد. حزب دموکرات کردستان ایران در طول ۸ سال جنگ و در دشوارترین شرایط استقلال همل و اندیشه خود را از دست نداد و همواره از استقلال و تمامیت ارضی ایران در برابر تجاوز عراق دفاع کرد.

اینک رژیم تجاوزگر صدام برای خلاص شدن از بحران خود ساخته در خلیج فارس و به امید برخورداری از تسهیلاتی از سوی رژیم جمهوری اسلامی، حاضر است هر گونه امتیازی را به دولت ایران هدیه کند. اولین وجه المصلحه این معامله غیر انسانی، همه نیروهای اپوزیسیون ایرانی مقیم عراق و بویژه مبارزان کرد ایرانی است. تحقق این توطئه، به مبارزه در راه آزادی در ایران ضربه زده و صفوف مبارزان راه دموکراسی و حقوق بشر را تضعیف خواهد کرد.

ما امضاکنندگان این اعلامیه، از این توطئه مشترک شوم پرده برداشته و انزجار خود را ابراز کرده و قویان را محکوم می کنیم. ما حمایت قاطع خود را از همه مبارزان کرد و بویژه نیروی اصلی رهبری کننده آن، حزب دموکرات کردستان ایران اعلام می کنیم. مردم آزادی خواه ایران! توطئه علیه حزب دموکرات کردستان ایران، توطئه علیه جنبش آزادی خواهی در سراسر میهن ماست. سکوت در این زمینه را هیچ مصلحت سیاسی توجیه نمی کند. مایقتین داریم که جنبش ملی - دموکراتیک کردستان ایران، با بهره گیری از تجربه های گرانمای تاریخی خود موفق خواهد شد همراه با سایر نیروهای

ترقی خواه و آزادی خواه ایران توطئه های رژیم جمهوری اسلامی و صدام حسین را علیه این جنبش مردمی خنثی سازد. ایجاد محدودیت ها و موانع، مبارزه حق طلبانه آنها را در راه تامین دموکراسی در ایران و خودمختاری در کردستان، متوقف نخواهد کرد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اول آذر ۱۳۶۹

سازمان فدائیان خلق ایران

حزب دموکراتیک مردم ایران

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

پیرامون اعتصاب فرهنگیان

اعتصاب و اعتراض فرهنگیان کشور به شرایط طاقت فرسای زندگی در ایران به حرکت اعتراضی مهمی در جامعه بحران زده ما تبدیل شده است. رژیم جمهوری اسلامی با اتکاب سانسور و اختناق حاکم بر جامعه و سکوت حساب شده خود میکوشد جزئیات و ابعاد این اعتصاب به درستی بازتاب نیابد. خبرها حاکی از آن است که تعدادی از شهرهای ایران منجمله اصفهان، شیراز، ارومیه، تبریز، زاهدان و بخشهایی از تهران شاهد اعتصاب و اعتراض معلمین بوده است. وعده های رنگارنگ سران رژیم در مورد بهبود وضعیت معلمین در آینده، نتوانسته است فرهنگیان شریف و زحمتکش کشور را از ادامه اعتراض باز دارد. رژیم سرکوبگر که تحمل هیچ گونه حرکت مطالباتی مستقل مردم را ندارد، برای سرکوب و ارباب معلمین به دستگیری های وسیع و اعمال فشار های گوناگون علیه آنان روی آورده است.

اعتصاب معلمین و گسترش نارضایتی و خواسته های مطالباتی اقتصادی و رفاهی در میان سایر اقشار مردم نشانه آشکار آن است که مردم ایران نسبت به بهبود شرایط زندگی خود تحت حاکمیت فقه

ناامید شده اند و وعده های رفسنجانی در مورد رفاه و رونق اقتصادی نیز نمی تواند دباور آنها را بر انگیزد. واقعیت جامعه ما نه این وعده ها و نه سخنان پوچ سران و جناحهای رژیم در مورد حمایت از مستضعفین و محرومین، بلکه گرانی، تورم، بی خانمانی و بی کاری طاقت فرسا و غیر قابل تحمل همراه با اختناق و سرکوب و نقض ابتدایی ترین حقوق انسانهاست.

راه پایان دادن به انبوه بی پایان مشکلاتی که رژیم جمهوری اسلامی برای مردم ما ایجاد کرده است، همان راهی است که معلمین مبارز کشور برگزیده اند، فعالیت و مبارزه مستقل خود مردم به خاطر عدالت و رفاه و آزادی.

فدائیان خلق ضمن پشتیبانی از اعتراضات بحق معلمین و اعتراض علیه بازداشت و سرکوب آنان، مردم و همه نیروهای ترقی خواه را به حمایت از مبارزات و مطالبات فرهنگیان شریف و زحمتکش کشور دعوت می کنند.

شورای
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۳ آذر ماه ۶۹

از زندانیان را از سلولها بیرون کشیده و کشته اند. گزارش مزبور حاکی است بسیاری از

اعدام شدگان از سال های پیش بناحق در زندان بوده اند. هغو بین الملل می افزاید برخی دیگر از زندانیان که متهم به جرایم عادی بوده اند، بدون حق استفاده از وکیل و شهادت افراد بر بی گناهی شان، محکوم و اعدام شده اند.

سازمان هغو بین الملل در گزارش خود می نویسد تنها در ماه سپتامبر امسال، بیش از صد زندانی در ایران اعدام شده اند. این گزارش حاکی است دستگیری های خودسرانه و شکنجه مخالفان رژیم، علیه رفم مغایرت آن با قانون اساسی، کمکان معمول است. هغو بین الملل می نویسد برخی از دستگیر شدگان "تنها یک نامه انتقادی درباره فقدان حقوق دموکراتیک در

نامه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به سران کشورهای شرکت کننده در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا

عالیجناب ...

در اکتبر سال جاری فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، آقای رونالد و گالیندوپل از ایران بازدید کرد. نتیجه تحقیقات و سفر وی پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران در پایان نوامبر انتشار یافت این گزارش بیانگر آن است که کماکان حقوق بشر در ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی بشدت پایمال میشود. در گزارش آقای گالیندوپل تاکید شده است که در ایران اعدام زندانیان سیاسی، شکنجه، عدم امنیت قضایی شهروندان، تضیق حقوق زنان، اعمال فشار بر اقلیتهای مذهبی، فقدان هر گونه آزادی سیاسی، تعقیب و بازداشت دگر اندیشان، سانسور شدید خبری و مطبوعاتی، اعمال فشار بر نویسندگان و ناشران، انجام محاکمات ناعادلانه بدون برخورداری متعم از حق دفاع و ... همچنان ادامه دارد. در گزارش مزبور نسبت به پایمال شدن حقوق بشر در ایران بشدت اظهار نگرانی شده است.

بر اساس گزارش فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل روز ۴ دسامبر کمیسیون مزبور قطعنامه ای بخاطر نقض شدید حقوق بشر در ایران علیه جمهوری اسلامی صادر کرد.

همچنین سازمان هغو بین الملل در گزارشی که در تاریخ ۴ دسامبر انتشار داد، مغلطای پایمال شدن بی رحمانه و سفاکانه حقوق بشر در ایران را تشریح کرده است. در گزارش سازمان هغو بین الملل از جمله تاکید شده است که تنها طی سه سال اخیر ۵ هزار نفر توسط جمهوری اسلامی اعدام شده اند. در گزارش مزبور قید شده است در یک دوره ۶ ماهه در سال ۱۹۸۸ متجاوز از ۲۵۰۰ زندانی سیاسی اعدام شده اند. این واقعه توسط ما ایرانیان فاجعه ملی نامیده شده است. این زندانیان توسط یک "کمیته مرگ" متشکل از، و انتخاب شده توسط رهبران جمهوری اسلامی به مرگ محکوم و اعدام شده اند. گزارش هغو بین الملل می افزاید در سه سال گذشته در ایران هیچ تغییری در نقض دهشتناک حقوق بشر رخ نداده است و علیه رفم تحولات سیاسی عمده سال های اخیر، مانند پایان جنگ با عراق مرگ خمینی، رعایت حقوق بشر بهیود دنیا فته است.

در چنین شرایطی رژیم جمهوری اسلامی بخاطر اوج گیری بحران اقتصادی در ایران به سوی کشورهای پیشرفته اروپایی رو آورده و تلاش دارد بدون آنکه در هر صه رعایت حقوق بشر در ایران و در ورای مرزهای ایران در مشی مبتنی بر تروریسم خود تغییری ایجاد نماید، به گسترش روابط اقتصادی و سیاسی خود با کشورهای اروپایی مبادرت ورزد.

شما بخوبی واقفید که دوران ما، عصر باور مندی و پایبندی روز به روز قدرت یافته به انسان و حقوق بشر و عصر بازیابی آزادی و حقوق بشر بعنوان ارزشهایی خدشه ناپذیر و تقدم قطعی آن بر منافع اقتصادی و سیاسی است.

ما باار سال این نامه نسبت به تمایل برخی کشورهای اروپایی در چشم پوشی از سیاست های ضد بشری جمهوری اسلامی و پایمال شدن خشن حقوق بشر در ایران، که بخاطر گسترش و تامین روابط منافع اقتصادی به ظهور می رسد هشدار داده و از دولت شما می طلبیم که رژیم جمهوری اسلامی را بخاطر پایمال کردن حقوق بشر در ایران تحت فشار قرار داده و مردم ایران را در مبارزه بخاطر آزادی و حقوق بنیادی خود یاری رساند.

باتشکر و احترام فراوان

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۵ دسامبر ۱۹۹۰

رژیم در مورد این رسوایی تازه، دلایل همیق تری نیز دارد. انعکاس گسترده نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی در جامعه جهانی، تلاشهای رژیم و بویژه دولت رفسنجانی را نسبت به نزدیکی پر شتاب با قرب دچار دشواریهای تازه ای ساخته است. حقوق بشر و دموکراسی در جهان کنونی به چنان درجه ای از اهمیت رسیده است که نمی توان بی توجه به آنها مناسبات دولتها با یکدیگر را تنظیم نمود. اواخر هفته گذشته در سازمان ملل اعلام شد که جامعه اقتصادی اروپا موضوع حقوق بشر در کشورهای مختلف را بطور مخفیانیه زیر نظر قرار داده است و آنرا عامل تعیین کننده مناسبات خود با سایر دول جهان قرار می دهد.

سرکوب حقوق بشر در ایران و محکومیت جهانی جمهوری اسلامی در این عرصه، جای تردیدی باقی نمی گذارد که اگر دولتهای پیشرفته جهان به راستی جواهران تنظیم مناسبات خود با سایر دولتها بر اساس احترام به حقوق بشر هستند، جمهوری اسلامی جزو اولین دولتهایی است که به این خاطر باید تحت فشارهای شدید قرار گیرد.

حقوق بشر در مورد پایمال کردن حقوق انسانها در ایران و بالاخره اعلامیه افشاگر و محکوم کننده هغو بین الملل که به فاصله کوتاهی از پی هم منتشر شدند، در ایران بطور وسیعی انعکاس یافته است و مسئله سرکوب دموکراسی و نقض حقوق بشر در ایران را بطور گسترده ای به مسئله روز بدل ساخت.

ما سخنان و موضعگیری رژیم همه نشانگران است که رژیم قصد ندارد سرکوب آزادیها و حقوق بشر را تغییر دهد. بدنبال تصویب قطعنامه کمیسیون حقوق بشر، وزارت امور خارجه طی بیانیه ای اعلام کرد که جمهوری اسلامی تحت هیچ شرایطی از قواعد و قوانین اسلام صرف نظر نخواهد کرد. خبرگزاری رسمی رژیم - ایرانا - نیز در یک بیانیه مغلط سازمانهای بین المللی را به باد حمله گرفت و آنها را آلت دست کشورهای غربی خواند. آیت الله یزدی نیز در نماز جمعه هفته گذشته ضمن حمله به سازمانهای مدافع حقوق بشر، به نحو پیشرفته ای مدعی شد: من بعنوان مسئول دستگاه قضایی اعلام می کنم که در ایران حتی یک زندانی عقیدتی وجود ندارد!

واکنش خشمگین رژیم نسبت به محکومیت جهانی جمهوری اسلامی علاوه بر ناراحتی های این

انتشار گزارش محکوم کننده گالیندوپل، قطعنامه کمیسیون

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

پیرامون

محکومیت جهانی رژیم آزادی ستیز

به دنبال ارائه گزارش آقای رونالدو گالیندوپل فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به ایران، این کمیسیون روز دوم دسامبر در باره نقض شدید حقوق بشر توسط حکومت ایران، قطعنامه‌ای صادر کرد. این قطعنامه در شرایط تلاش‌های وسیع جمهوری اسلامی برای ممانعت از تصویب قطعنامه محکومیت رژیم صادر شد. صدور قطعنامه مزبور و متعاقب آن انتشار گزارش ۳۳ صفحه‌ای سازمان ملل، عذوبین الملل در باره پایمال شدن شدید حقوق بشر در ایران در مبارزه مردم ما علیه استبداد و سرکوبگری رژیم و انشای هر چه بیشتر جمهوری اسلامی موفقیتی قابل توجه است.

در شرایط تداوم سیطره خفقان سیاسی، سرکوب و پایمال کردن حقوق انسانها در کشور، رهبران جمهوری اسلامی می‌کوشند از خود چهره قابل پذیرشی در جهان ارائه دهند. آنها می‌کوشند تا حد امکان بر بر منشی و جنایت پیشگی خود را از چشم جهانیان پنهان دارند. صدور قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و اطلاعیه اخیر سازمان عفو بین المللی در باره نقض شدید حقوق بشر در ایران، رژیم رسوای جمهوری اسلامی را در دیده جهانیان رسواتر کرد.

در شرایط رفع بن بست در سیاست خارجی رژیم

، مناسبات اقتصادی ایران با غرب در حال گسترش است بنا بر تجربه اکنون زمینه برای اینکه کشورهای پیشرفته در قبال منافع و روابط اقتصادی پایمال شدن شدید حقوق بشر در ایران را نادیده بگیرند، مساعدتر است. تلاش‌های دولتهای آلمان و ایتالیا برای تعدیل قطعنامه اخیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی در همین راستا قابل ارزیابی است. در چنین شرایطی جلب توجه و برانگیختن حساسیت افکار عمومی و دولتها نسبت به پایمال شدن خشن حقوق بشر در تمام هر صه هادر ایران، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

فدائیان خلق (اکثریت) به سهم خود در راستای دفاع از آزادی و حقوق بشر و تقویت مبارزه مردم خود علیه استبداد و رژیم آزادی کش جمهوری اسلامی خواهند کوشید.

در این راه مبارزه متحد و یکپارچه همه نیروهای آزادی خواه ایران و تشریک مساهلی آنان برای افشای هر چه بیشتر جمهوری اسلامی ضرورت اجتناب ناپذیر پیشبرد مبارزه ای همه جانبه و پرتیر است. ما بار دیگر آمادگی خود را برای هرگونه همکاری و همکاری در این زمینه اعلام می‌داریم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۵ آذرماه ۱۳۶۹

پدیده‌ای به نام دانشگاه آزاد اسلامی

بقيه از صفحه اول

ثبت ۴ هزار تومانی و برای دوره کارشناسی (لیسانس) یک سیم ثبت ۴ هزار تومانی دارد. برای رشته معماری، این شهریه ثبت ۴ هزار ترمی ۱۵ هزار تومان است. برای رشته پزشکی این مبلغ به ۲۵ هزار تومان برای هر ترم میرسد. به این شهریه ثبت ۴ هزار تومانی، برای هر واحد نظری ۴۰۰ تومان، برای هر واحد عملی عمومی ۱۵۰۰ تومان و برای هر واحد عملی تخصصی ۳ هزار تومان باید افزود. روزنامه کیهان محاسبه کرده است که مثلاً یک دانشجوی رشته معماری باید در یک نیمسال ۲۳۸۰۰ تومان شهریه بپردازد، یعنی ماهانه ۴ هزار تومان.

طبق محاسبه روزنامه کیهان، دانشگاه آزاد در این ترم تنها ۶۴۰ میلیون تومان شهریه ثبت گرفته است. درآمد این دانشگاه از بابت کل شهریه‌ها در هر ترم به ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان می‌رسد، یعنی در هر سال ۸ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان.

دانشجویان خود می‌افزاید. امسال در کنکور این دانشگاه ۷۵ هزار نفر پذیرفته شدند که حدود ۷۰ هزار نفر آنها ثبت نام کردند. مابقی، با توجه به دو برابر شدن شهریه‌ها نسبت به ترم‌های قبل، از ثبت نام منصرف شده‌اند. شمار دانشجویان دانشگاه آزاد برابر مجموع دانشجویان همه دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی دولتی است. تا پایان برنامه ۵ ساله، طی سه نوبت تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد به ۵۰۰ هزار نفر خواهد رسید. در این مدت، قرار است تعداد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی نیز به ۵۰۰ هزار تن برسد. کاسبی "دانشگاه آزاد" اقتدر رونق دارد که گردانندگان آن، هر جا یک ساختمان خالی پیدا کنند، یک تابلوی "واحد دانشگاه آزاد اسلامی" روی آن می‌زنند. فهرست برخی از واحدهای دانشگاه آزاد، جالب است: ابهر، اردبیل، ارسنجان، جیرفت، جهرم، خارک، رودهن،

سندج، سیرجان، شاهرود، گناباد، نوشهر، چالوس، ورامین، یزد، میمه. دانشگاه آزاد بیش از صد واحد دارد. افتتاح واحدهای جدید آتدر با شتاب صورت می‌گیرد که بعضی ساختمان‌ها بدون کوچکترین آمادگی برای امکان حتی یک دبیرستان، به اشغال "دانشگاه آزاد" در می‌آیند. به نوشته کیهان، اتاق‌های یک واحد دانشگاه آزاد پنجره‌هایی بدون شیشه دارند. در بسیاری از واحدها، گچ برای نوشتن روی تخته سیاه وجود ندارد.

در حالی که دانشگاه‌های دولتی، به علت فقدان استادبعضی رشته‌های خود را تعطیل می‌کنند، تجارت خانه "دانشگاه آزاد" ابایی ندارد که در دورافتاده‌ترین شهرهایی که حتی یک دبیرستان با امکانات کافی ندارند، در همان رشته‌ها دانشجو بپذیرد. مثلاً در حالی که دانشگاه شیراز، رشته حقوق خود را تعطیل کرده و دانشجویان این رشته را به تهران فرستاده است، واحدهای دانشگاه آزاد در "تراق" و "خوراسگان اصفهان" در همین رشته دانشجو پذیرفته‌اند!

دانشگاه آزاد که در گرفتن شهریه و انواع و اقسام هوارش روال بسیار مرتب و منظمی دارد، گاه دانشجویان خود را به امان خدا رها می‌کند: دانشجویی که با پرداخت شهریه گزاف ثبت نام و راهی شهر محل "تحصیل" خود می‌شود، گاه با رسیدن به این شهر می‌بیند که از استاد خبری نیست و کلاس‌ها تشکیل نمی‌شود. در حالی که در تهران، دانشگاه آزاد با پرداخت دستمزدهایی بیش از حقوق معمول موسسات دولتی، برخی استادان دانشگاه‌های دولتی را برای کار "شبانه" و "عصرانه" جذب می‌کند، وضع در شهرستان‌ها بگونه‌ای دیگر است. استادان را نمی‌توان با پرداخت حق التدریس به شهرهای دورافتاده جذب کرد. بنابراین،

منااسبات اقتصادی ایران با غرب در حال گسترش است بنا بر تجربه اکنون زمینه برای اینکه کشورهای پیشرفته در قبال منافع و روابط اقتصادی پایمال شدن شدید حقوق بشر در ایران را نادیده بگیرند، مساعدتر است. تلاش‌های دولتهای آلمان و ایتالیا برای تعدیل قطعنامه اخیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی در همین راستا قابل ارزیابی است. در چنین شرایطی جلب توجه و برانگیختن حساسیت افکار عمومی و دولتها نسبت به پایمال شدن خشن حقوق بشر در تمام هر صه هادر ایران، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

فدائیان خلق (اکثریت) به سهم خود در راستای دفاع از آزادی و حقوق بشر و تقویت مبارزه مردم خود علیه استبداد و رژیم آزادی کش جمهوری اسلامی خواهند کوشید.

در این راه مبارزه متحد و یکپارچه همه نیروهای آزادی خواه ایران و تشریک مساهلی آنان برای افشای هر چه بیشتر جمهوری اسلامی ضرورت اجتناب ناپذیر پیشبرد مبارزه ای همه جانبه و پرتیر است. ما بار دیگر آمادگی خود را برای هرگونه همکاری و همکاری در این زمینه اعلام می‌داریم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۵ آذرماه ۱۳۶۹

شهرها در بسیاری از موارد باید بدون استاد و امکانات معمول کار "شبانه" و "عصرانه" جذب تهران. بنابراین، دانشجویان دانشگاه آزاد در این شهرها در بسیاری از موارد باید بدون استاد و امکانات معمول در تهران "تحصیل" کنند. یک دانشجوی رشته زبان اسپانیایی می‌گوید در بدو تحصیل، دانشگاه آزاد به او و هم رشته‌هایش گفته است که "خودتان بروید استاد پیدا کنید".

معمول موسسات دولتی را برای کار "شبانه" و "عصرانه" جذب کرد. بنابراین، دانشجویان دانشگاه آزاد در این شهرها در بسیاری از موارد باید بدون استاد و امکانات معمول در تهران "تحصیل" کنند. یک دانشجوی رشته زبان اسپانیایی می‌گوید در بدو تحصیل، دانشگاه آزاد به او و هم رشته‌هایش گفته است که "خودتان بروید استاد پیدا کنید".

هنوان دانشگاه آزاد، یک "موسسه غیرانتفاعی" است. اما محاسبه روزنامه کیهان نشان میدهد که مخارج این دانشگاه، مهم از حقوق استادان و اجاره ساختمان‌ها، به هیچ عنوان قابل مقایسه با حجم درآمد آن نیست. رئیس واحد تهران دانشگاه آزاد، به دانشجویان این دانشگاه می‌گوید که اگر پول ندارند شهریه را بدهند، از بانک‌ها وام بگیرند! به فرض این هم که بانک‌ها به این دانشجویان وام بدهند، فردا همه آنها باصدا هزار تومان بدهی باید زندگی و کار خود را شروع کنند. این است راه حل حضرات جهت "ایجاد امکانات آموزشی برای محرومین". این همانند که "پزشکان" و "مهندسان" و "متخصصان" می‌کنند که از این "دانشگاه" بیرون می‌آیند، نه مدرکشان مورد قبول موسسات دولتی و خصوصی است و نه با کیفیت تحصیل در این دانشگاه، می‌توانند در رشته خود کار مفیدی ارائه دهند.

خلاصه این که دارو دسته‌ای که تجارت خانه "دانشگاه آزاد" را راه انداخته‌اند و سرشان به مقامات خیلی بالا (و در راس آنها رفسنجانی) بند است، به قیمت از اعتبار و کارایی انداختن نظام آموزش عالی کشور، جیب‌های خود را پر کرده‌اند. بی‌آینده بودن خیل عظیم جوانانی که هر سال دوره دبیرستان را به اتمام می‌رسانند، زمینه را برای افارت حضرات فراهم کرده‌است. آنها به وقیحانه‌ترین شکل، گاه آخرین پس‌انداز و ثمره آخرین تلاش‌های یک خانواده را که می‌خواهد فرزندش را به جایی برساند، می‌چاپند. این دکان نیز در ارائه "کالای" خود از همان قوانین مابقی "بازار آزاد" پیروی می‌کند.

بحران منطقه در مسیر یافتن پایانی صلح آمیز؟

بقيه از صفحه اول

اوضاعی که با این سرسختی طرفین ایجاد شده، افزوده است. اکنون تلاش‌ها برای حل سیاسی بحران، تحت فشار زمانی صورت می‌گیرد. اگر این تلاش‌ها تا ۱۵ ژانویه به موفقیت نرسد، بعید به نظر می‌آید که پس از این تاریخ موثر واقع شود، زیرا در صورت ادامه حضور عراق در کویت پس از ۱۵ ژانویه، رژیم صدام حسین به شورای امنیت بی‌احتیایی کرده است. ادامه مذاکره با عراق در چنین حالتی، برای آمریکا باز دست دادن اعتبار همراه خواهد بود.

مجموعه این شرایط، منطقه را در معرض خطر جنگی خونین و دهشتناک قرار می‌دهد. جرج بوش در سخنرانی ۳۰ نوامبر خود گفت که این جنگ نباید به یک ویتنام دوم تبدیل شود، و افزود: "من هرگز با یک اقدام نیمه‌کاره موافقت نخواهم کرد."

اکنون، مستقل از اینکه در کاخ سفید چه تصمیمی گرفته شود، یک مکانیزم خودکار فعال شده است که می‌تواند به جنگ بیانجامد. اگر عراق به اتمام حجت سازمان ملل اعتنایی نکند، رئیس جمهور ایالات متحده در شرایطی قرار می‌گیرد که به زحمت خواهد توانست از دادن دستور اقدام نظامی به نیروهای خود در منطقه خودداری کند، نیروهایی که تا نیمه ژانویه به ۴۰۰ هزار نفر و شش نا هواپیمابر افزایش خواهد یافت. این نیرو، بزرگتر از آن است که چند ماه دیگر به عمل در صحرای عربستان به سربرد. از سوی دیگر، فرارسیدن فصل بهار به کشاورزان نظامی آمریکا را وادار خواهد کرد که بخشی از نیروی خود را عقب بکشد.

موقعیت ایجاد شده، به گفته ژنرال جونز رئیس اسبق ستاد مشترک ایالات متحده، به اوضاع پیش از جنگ جهانی اول در اروپای سال ۱۹۱۴ شباهت دارد. آن زمان، طرح‌های گردآوری و اعزام نیرو از سوی ستادهای ارتش به چنان دینامیسم درونی رسیده بود که کنترل اوضاع عملاً در دست سیاستمداران خارج شد. جونز در یک جلسه کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا می‌گفت: "بزرگترین واهمه من این است که ما تصمیم به جنگ نگیریم، بلکه خود اعزام نیرو ما را وادار کند جنگ را انتخاب کنیم. شاید زودتر از موعد بدون اینکه لازم باشد."

چنین اوضاع خطرناکی از جمله به تقصیر خود جرج بوش ایجاد شده است. دولت بوش هملا قطعنامه اخیر را به شورای امنیت تحمیل کرد و باعث تعجیل و تصویب آن شد. رئیس‌جمهور آمریکا در سفر خود به عربستان سعودی در توجیه شتاب نشان دادن برای وادار کردن خود را پر کرده‌اند. بی‌آینده بودن خیل عظیم جوانانی که هر سال دوره دبیرستان را به اتمام می‌رسانند، زمینه را برای افارت حضرات فراهم کرده‌است. آنها به وقیحانه‌ترین شکل، گاه آخرین پس‌انداز و ثمره آخرین تلاش‌های یک خانواده را که می‌خواهد فرزندش را به جایی برساند، می‌چاپند. این دکان نیز در ارائه "کالای" خود از همان قوانین مابقی "بازار آزاد" پیروی می‌کند.

بازار جهانی نفت در پی ادامه بحران خلیج فارس هم چنان بی‌ثبات است و قیمت‌ها همراه با تحولات سیاسی نوسان می‌کند. اواخر هفته گذشته بهای نفت در بازارهای جهانی به پایین‌ترین حد خود در طول هفته‌های اخیر رسید. بنا به گزارش خبرگزاری‌ها بهای نفت خام برنت دریای شمال برای تحویل در ماه ژانویه در ۵شنبه گذشته هر بشکه ۲۱ دلار و

عراق به ترک کویت، به این ادعای مسخره متوسل شد که گویا صدام حسین به زودی به بهب اتمی دست خواهد یافت و باید تاجپین نشده، دست به کار شد. این در حالی است که همه کارشناسان متفق‌القولند که عراق هنوز چند سال از تولید بهب اتمی فاصله دارد. بازرسان آژانس انرژی اتمی اخیراً پس از کنترل تاسیسات هسته‌ای عراق گزارش دادند که نشانه‌ای از اختصاص مواد رادیواکتیو به تولید بهب اتمی نیافته‌اند. با این حال، مارلین فیتزواتر سخنگوی کاخ سفید گفت که عراقی‌ها، کارشناسان سازمان بین‌المللی را فریب داده‌اند!

در داخل آمریکا، شمار کسانی که از خود می‌پرسند چرا باید ایالات متحده درگیر جنگی خونین شود، روبه افزایش است. آمریکایی‌ها می‌پرسند: آیا به خاطر نفت می‌جنگیم؟ اگر چنین باشد، بسیاری می‌گویند: "خون برای نفت، هرگز!" و باز این سؤال مطرح می‌شود که آیا شیوخ عربستان و سایر سلاطین منطقه، ارزش درگیر شدن در جنگ را دارند؟ بسیاری، خواهان نشان دادن بردباری بیشترند و می‌گویند باید منتظر موثر واقع شدن تحریم‌های سازمان ملل ماند. دیراسالار کراو، رئیس سابق ستاد مشترک نیروهای مسلح ایالات متحده، اخیراً در سنا نسبت به شتاب ورزیدن در اقدام نظامی هشدار داد. وی توصیه کرد که دولت آمریکا نخست باید منتظر اثربخشی محاصره اقتصادی عراق بماند، حتی اگر این امر ۱۲ الی ۱۸ ماه به طول بیانجامد. کراو افزود بردباری و انتظار بهتر از جنگ با تلفات و خطرات آن است. ژنرال آمریکایی گفت تردیدی ندارد که نیروهای ایالت متحده می‌توانند ظرف "۳۰ الی ۴۵ روز" پیروز شوند، اما راه حل نظامی باید آخرین راه حل باشد. کراو در خاتمه اظهار داشت: "تاسف‌آور خواهد بود اگر صدام حسین، این حاکم خودکامه کوچک بر یک ملت ۱۷ میلیونی با تولید ناخالص ملی معادل ۴۰ میلیارد دلار، بردبارتر از ایالات متحده از کار درآید، ایالات متحده‌ای که ثروتمندترین و قوی‌ترین کشور دنیاست."

حزب دمکرات آمریکا که در روزهای نخست پس از اشغال کویت توسط عراق، به موج ناسیونالیستی ایجاد شده توسط بوش پیوسته بود، اکنون به‌طور فزاینده‌ای در مورد سیاست بوش ابراز تردید می‌کند. این حزب برای تغییر مشی خود، تصمیم ناگهانی بوش در اوایل نوامبر برای افزایش نیروهای آمریکا به ۴۰۰ هزار نفر را بهانه قرار داد، اما واقعیت آن است که دمکرات‌ها پی‌برده‌اند که "نشان دادن صدام حسین به سر جای خود" اگر

کاهش قیمت نفت

۹۲ سنت معامله شد که نسبت به نرخ هفته قبل ۲ دلار و ۸۰ سنت کاهش نشان میداد. نفت خام سبک دویی (نفت خام پایه خاورمیانه) ۲۱ دلار و ۹۲ سنت معامله شد که نسبت به هفته قبل ۲/۵ دلار کاهش پیدا کرد. در همین روز نفت خام پایه آمریکا - وست تکزاس اینترمدیت - ۲۶ دلار و ۴۰ سنت معامله شد که ۸۹ سنت نسبت به روز قبل تنزل یافت.

سهراب مشیری

چه امکان پذیر است، اما احتمالاً به قیمت کشته شدن ده‌ها هزار سرباز آمریکایی تمام خواهد شد. حتی ژنرال نورمن شوارتسکف فرمانده نیروهای آمریکایی در عربستان نیز در یک اظهار نظر برای کنگره نوشته است: "تحریم‌ها هنوز چند ماه بیشتر نیست که اعمال شده‌اند. چرا که اکنون که تاثیر آنها تازه دارد شروع می‌شود، یکبار به بگویم "بسیار خوب، این که نشد، بگذار قضیه را تمام کنیم و خیلی‌ها را به کشتن دهیم؟" این، دیوانگی است."

اکنون که صدام حسین و جرج بوش بحران را تا حد خطرناک کنونی تشدید کرده‌اند، چه امکانی برای اجتناب از جنگ باقی مانده است؟

هر چند مقامات آمریکایی بسیار می‌کوشند تا در موضع گیری‌های هلنی خود چنین وانمود کنند که به هیچ وجه تصد امتیاز دادن به عراق را ندارند، اما واقعیت این است که راه حل سیاسی به‌ر حال نوهی معامله را در بر خواهد داشت، و راه حل سیاسی، تنها راه حل معقول است. در غرب، سیاستمداران افراطی صدام حسین را به‌هیتر مقایسه می‌کنند و می‌گویند باید از تکرار خطای پوئن دادن به یک دیکتاتور توسعه طلب و شورگشا اجتناب کرد. اما این مقایسه، نادرست است. در این تردیدی نیست که دیکتاتور عراق، جنایتکار و توسعه طلب است. اما او بسیار کوچک‌تر از آن است که بتوان با هیتلر و آلمان فاشیست ثروتمند و تانندان مسلح، بزرگترین قدرت نظامی آن زمان جهان، مقایسه‌اش کرد. حتی ایران پس از روی کار آمدن خمینی که آمادگی برای مقابله با حمله عراق را نداشت، این حمله را دفع کرد. سلاح‌های جدید عراق، ممکن است در شرایطی که صدام حسین خود و رژیمش را در آستانه نابودی ببیند، بسیار مخرب از کار درآیند، اما با آنها نمی‌توان کشورگشایی کرد.

تحریم‌های سازمان ملل، می‌توانند در نهایت رژیم عراق را در شرایطی قرار دهند که برای تخلیه کویت، به امتیازی در حد گرفتن قول مشاهده برای حل اختلافات ارضی با کویت و یا تشکیل کنفرانس بین‌المللی برای حل مسئله فلسطین اکتفا کند. هر کس چنین چشم‌اندازی را نادیده بگیرد و مانند جرج بوش، شرایط را هر چه بیشتر به سمت اجتناب ناپذیر کردن جنگ سوق دهد، در مسئولیت جان ده‌ها و بلکه صدها هزار نفری که این جنگ به قربانی خواهد گرفت، سهم است.

روز پنجشنبه هفته گذشته صدام حسین اعلام کرد که تا پایان سال جاری میلادی همه شهروندان خارجی اجازه خروج از کویت و عراق را خواهند یافت.

از رویدادهای ایران

گشت ویژه "رعد" در خیابانهای تهران

نمیکند که هدف مقدم و اصلی این گشتها استقرار امنیت و مقابله با نارضایتی هاست، گسترش شدید نارضایتی ها، بروز اعتصابات و اعتراضات مختلف، که اعتصاب معلمین بر جسته ترین نموشه آن در هفته های اخیر است، وحشت رژیم را برانگیخته است. این اعتراضات و نارضایتی که قبل از همه در تشدید روز افزون گرانی و احتکار ریشه دارد، رژیم اسلامی را به فکر مقابله جدی تر با گسترش احتمالی اعتراضات در آینده انداخته است. اما سران رژیم خود نیز باور ندارند که اضافه کردن گشت های تازه بر گشت های رنگارنگ و سرکوبگر قبلی بتواند مانع فوران خشم و نفرتی که در مردم مترکم شده است بشود.

نام مانور "فجر" در تهران نمود. تحت پوشش این مانور نیروهای سرکوبگر رژیم در ساعات مختلف روز، میدانهای مهم و حساس شهر را زیر کنترل قرار می دهند. همراه با اقدامات فوق گشت های ویژه پلیس و آگاهی نیز در پارک ها، میادین، ایستگاههای اتوبوس و مقابل مدارس دخترانه مستقر شده اند. روابط عمومی شهر بانی اعلام کرد گشت های فوق تنها ظرف دو روز ۷۵ تن از افراد "بزهکار و شرور" را دستگیر کرده اند. استقرار مأمورین سرکوب تحت پوشش گشت های مختلف نشانه تشدید کنترل و اقدامات سرکوبگرانه امنیتی در کشور است. مقامات رژیم پنهان

به منظور تشدید کنترل مردم، کمیته انقلاب اسلامی گشت ویژه تازه ای به نام گشت "رعد" را در سطح تهران مستقر کرد. عبدالله حقانی فرمانده کمیته انقلاب اسلامی استان تهران اعلام کرد هر روز حداقل ۲۵ واحد گشت "رعد" در سطح شهر به گشت زنی خواهد پرداخت هدف گسیل تازه مأمورین سرکوب رژیم به خیابانها بنابه اظهار فرمانده کمیته تهران در جبهه اول ایجاد "امنیت" و مبارزه با عواملی که موجب سلب آسایش و امنیت میشوند، خواهد بود.

همراه با ایجاد گشت "رعد" رژیم به منظور ارباب بیشتر مردم، بناسبت هفته بسیج اقدام به برگزاری یک مانور گسترده به

وزیر صنایع سنگین: صنایع

کشور باید از وابستگی به

سیستم دولتی رها شوند

نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین رژیم طی سخنانی در همدان، بخشی از برنامه های دولت در زمینه توسعه صنایع سنگین را اعلام کرد. وی گفت: هدف دولت این است که صنایع کشور از وابستگی به سیستم دولتی رها گشته و در یک فضای سالم به رقابت بپردازند. او افزود: رشد ضعیف صنعت در کشور ماز کمبود ماشین آلات ناشی نمی شود. بلکه عامل اصلی کمبود نیروی متخصص، ضعف مدیریت و دانش صنعتی است. وزیر صنایع سنگین تشکیل واحدهای طراحی، مهندسی و طراحی مونتاژ راه حل رفع معضلات فوق اعلام کرد. وی در بخش دیگری از سخنانش سیاست دولت در زمینه تخصیص ارز را مورد پشتیبانی قرار داد و گفت: روش فعلی تخصیص ارز نقش بسزایی در راستای نیل به خود کفایی دارد و نتیجه اولیه آن کاهش حجم نقدینگی در کشور است.

نژاد حسینیان در این گفتگو اعلام کرد که تولید پیکان مدل "تالوت" از سال آینده آغاز خواهد شد. کارخانه ایران خودرو از چندی پیش تولید پژو ۵۵۴ را آغاز کرده است. در شرکت سایپا نیز هم اکنون روزانه ۵۰ دستگاه اتومبیل رونو تولید می شود.

عقب ماندگی شدید "آموزش عالی"

نفر، در مصر ۱۹۱۸ نفر و در کانادا ۴۸۵۳ نفر است. تعداد محققین در هر یک میلیون جمعیت در کشور ما ۸۲ نفر در آرژانتین ۳۸۰ و در ژاپن ۴۸۰۰ نفر است. کتابهای ذخیره شده دانشگاهی در ایران ۶ میلیون جلد است که این مقدار یک ششم اسپانیا و یک صدم ژاپن میباشد. این آمار نشاندهنده سطح بسیار عقب مانده وضعیت آموزشی کشور ما، حتی نسبت به کشورهای دارای شرایط مشابه با ایران می باشد. "انقلاب فرهنگی" حکومت اسلامی در تشدید عقب ماندگی آموزش عالی در کشور سهم بارزی داشته است

دکتر مصطفی معین در دیدار با روسای دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، از عقب ماندگی شدید آموزش عالی در کشور ما پرده برداشت. بنا به سخنان وی هزینه های آموزشی نسبت به تولید ناخالص ملی در کشور برابر ۳/۸ درصد است. این رقم در کشورهای مشابه نظیر الجزایر ۶/۱ و در کشورهای پیشرفته ۷/۴ درصد است. سهم تحقیقات به تولید ناخالص ملی در ایران ۵۵ درصد است که همین نرخ در کشوری مثل ونزوئلا ۲ درصد و در ژاپن ۳ درصد می باشد. تعداد دانشجویان در هر ۱۰۰ هزار نفر در کشور ما ۸۰۰

جمعیت کشور از مرز ۵۵ میلیون گذشته است

بر اساس آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران، جمعیت کشور با سرعت سرسام آوری روبه ازدیاد است در حالیکه سرشماری سال ۶۵، جمعیت کشور را بیش از ۴۹ میلیون نفر اعلام داشته بود، بنا به آمارهای غیر رسمی اکنون جمعیت کشور از مرز ۵۵ میلیون نفر گذشته است. مطابق آمارهای نمونه ای، هر روز در ایران حدود ۴۰۰۰ کودک به دنیا می آیند و با احتساب تعداد مرگ و میر هر روز ۳۷۷ و در سال حدود یک

بر اساس آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران، جمعیت کشور با سرعت سرسام آوری روبه ازدیاد است در حالیکه سرشماری سال ۶۵، جمعیت کشور را بیش از ۴۹ میلیون نفر اعلام داشته بود، بنا به آمارهای غیر رسمی اکنون جمعیت کشور از مرز ۵۵ میلیون نفر گذشته است. مطابق آمارهای نمونه ای، هر روز در ایران حدود ۴۰۰۰ کودک به دنیا می آیند و با احتساب تعداد مرگ و میر هر روز ۳۷۷ و در سال حدود یک

مرزبانان شوروی یک ایرانی را به قتل رساندند

روز ۳۰ آبان ماه - ۲۱ نوامبر - مأمورین مرزبانان شوروی به روی ۴ نفر ایرانی که قصد عبور غیر مجاز از مرز را داشتند، آتش گشودند. در جریان این حادثه یک نفر بنام نعمت محبی کشته شد و فرد دیگری بنام احمد احمدی به شدت مجروح گردید. مرزبانان شوروی فرد مجروح شده، همراه

با جسد نعمت محبی و دو تن دیگر این گروه ۴ نفره به نامهای میرسلام موسوی و احمد صبوری را به مقامات مرزبانان شوروی اسلامی در آستارا تحویل دادند. هنوز انگیزه عبور غیرقانونی این افراد از مرز و دلایل تیراندازی مرزبانان شوروی به سوی آنان روشن نیست.

قتل یک شکارچی در باختران

باختران شکارچیان که تعدادشان به ۱۰ نفر میرسیده دارای مجوز شکار نبوده و به انواع سلاحهای جنگی و شکاری نیز مجهز بوده اند. درگیری ظاهرآ به دنبال فرمان ایست مأموران گارد حفاظت و بی توجهی شکارچیان به حفاظت مجروح گردیدند. این درگیری روز شنبه سوم آذر ماه اتفاق افتاد طبق گفته مدیر کل حفاظت محیط زیست استان

در یک درگیری میان مأمورین گارد حفاظت محیط زیست و شکارچیان در منطقه پایگاه حیات وحش "ورمنجه" باختران یک نفر به نام حسین پور حبیبی کشته شد. دو مأمور گارد حفاظت مجروح گردیدند. این درگیری روز شنبه سوم آذر ماه اتفاق افتاد طبق گفته مدیر کل حفاظت محیط زیست استان

نیروهای انتظامی به زودی اقدام خواهند شد

سفر به شیراز، قانون اقدام نیروهای انتظامی را تشریح کرد. مطابق گفته او لباس فرم مأموران انتظامی تغییر خواهد کرد و کلیه این نیروها از لباس متحدالشکل استفاده خواهند نمود. رئیس شهربانی گفت که برای فرماندهان لباسهایی با رنگها و فرم های مختلف در نظر گرفته شده که به نظر "رهبرانقلاب" نیز رسیده است!

حجت الاسلام نوری وزیر کشور اعلام کرد که طرح اقدام نیروهای انتظامی با توجه به مهلت تعیین شده یکساله مجلس در شرف انجام است و نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی که تاکنون در تشکیلات های جداگانه، ای فعالیت میکردند در یکدیگر ادغام خواهند شد. تیمسار مرتضوی رئیس شهربانی کل کشور نیز در جریان

فشارهای شیلات به صیادان شمال

که فضای بسیاری از زحماتکنان شمال کشور است برای صیادان آزادمنوع ساخته است. بنا بر همین گزارشات ورود فاضلاب کارخانجات به روز خانه ها، آلوده شدن آبها به سموم بپاشی، رسوب دابی مداوم از سر سفید رود که گل و لای زیادی را وارد این رودخانه میکند، کمبود جایگاههای تکثیر ماهی و بی توجهی کامل به مسایل محیط زیست، سلامت محیط در این منطقه را بشدت تهدید میکند و به تقلیل شدید آبیان در دریای خزر منجر شده است. شیلات این تقلیل را ناشی از صید بی رویه صیادان اعلام کرده تا با دست بازتری مانع صید توسط آنها گردد. صیادان شمال، بویژه در منطقه آستارا تاکنون چندین بار در اعتراض به ستم شیلات و مقامات محلی دولتی نامه ها و طومارهایی را برای مسئولین ذیربط ارسال داشته اند، اما در جمهوری اسلامی گوش شنوایی برای اعتراض مردم وجود ندارد.

شیلات شمال و مسئولین دولتی با اعمال فشارهای شدید می کوشند مانع صید توسط صیادان این ناحیه شوند. بنابه گزارشهای رسیده مدت چندین سال است که شیلات به انحای مختلف از صدور کارت صیادی برای کسانی که حتی چندین نسل است به کسب صید اشتغال داشته اند خودداری میکند و به همین جهت تعداد صیادانی که دارای مجوز قانونی صید هستند روز بروز کاهش پیدا میکند بهانه شیلات ظاهرآ مقابله با صید بی رویه است. صید ماهی وسیله عمده و شاید تنها وسیله ارتزاق و گذران زندگی این بخش از مردم شمال کشور است. عدم صدور کارت صید بسیاری از صیادان شمال کشور را مجبور به صید غیر قانونی و شبانه کرده است. اما اداره حراست شیلات با فشار و مزاحمت می کوشد مانع کار صیادان گردد. علاوه بر این اداره شیلات صید دو نوع ماهی کولی و کولمه را

ژاپن در جزیره قشم ذوب آهن می سازد

شرکت ژاپنی فولاد "کوبه" در جزیره قشم یک مجتمع بزرگ ذوب آهن ایجاد میکند. بر طبق این پروژه که قرار دادهای اولیه آن به تصویب رسیده است، این مجتمع ذوب آهن شامل ۵ واحد هریک با ظرفیت تولید سالانه یک میلیون تن فولاد خواهد بود. قرار است اولین فاز این مجتمع ۳۶ ماه پس از شروع کار تکمیل گردد و چهار فاز بعدی هر کدام در فاصله یکسال آماده پیش بینی میشود هزینه این

مجتمع به یک میلیارد دلار بالغ گردد و ۶۰ درصد سرمایه گذاری آن به ایران تعلق خواهد داشت که سهم ایران پس از به تولید رسیدن مجتمع از محل فروش فرآورده های آن تامین خواهد شد. در جزیره قشم ذخایر عظیم گاز طبیعی، که رقم تخمینی آن ۲/۲ مترمیلیون متر مکعب است، وجود دارد که در این مجتمع مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

اطلاعیه صدا و سیما درباره

تصرف ساختمان این سازمان

یورش می آورند، تلفن های ساختمان را قطع می نمایند، مسئولین ساختمان و کارمندان را بطور موقت بازداشت کرده و مانع ورود و خروجشان به ساختمان می گردند، با رفتاری توهم آمیز و خشونت بار در فاصله ای کمتر از ۲ ساعت وسایل و تجهیزات ساختمان شامل ۵ طبقه اموال اداری، اسناد طبقه بندی شده و تجهیزات الکترونیکی ظریف روی هم انبار میکنند و بالاخره کارکنان مرکز را اخراج نموده و ساختمان را تحویل مهدی آل طعمه می دهند!

سازمان صدا و سیما با انتشار بیانیه مغضبی، جزئیات تازه ای از تصرف ساختمان شماره یک این سازمان توسط پلیس قضایی و واگذاری آن به فردی به نام "آل طعمه" را فاش ساخت. مطابق این اطلاعیه سازمان صدا و سیما برای حل موضوع مالکیت این ساختمان فرصت ۳ ماهه ای از رئیس قوه قضائیه گرفته بوده است. اما در تاریخ ۱۵ آبان ماه یعنی ۱۳ روز پیش از انقضای مهلت مذکور، مأمورین پلیس قضایی و کلانتری به ساختمان فوق

سنگ پیران ها مجازات خواهند شد

ساکن مناطق حاشیه خط آهن برای مبارزه با هوارض سو و خسارات مالی و جانی عبور قطارها از مناطق مسکونی برگزیده اند. سر و صدای ناشی از عبور قطارها در ساعات مختلف شبانه روز و بویژه عدم توجه به مسایل امنیتی و حفاظتی که تاکنون به قربانی شدن انسانهای زیادی - بویژه کودکان - در زیر چرخهای قطارها منجر گردیده است اعتراض و ناراحتی مردم ساکن مناطق حاشیه خط آهن را فراهم آورده. اکنون جمهوری اسلامی به جای برطرف ساختن هوارض سو ناشی از مشکل عبور قطارها از مناطق مسکونی دستور دستگیری معترضین را صادر کرده است!

ریاست قوه قضائیه طی صدور بخشنامه ای دستور مجازات قانونی افراد سنگ پیران به قطارها را صادر کرد! راه آهن جمهوری اسلامی ضمن اعلام این خبر متذکر شد که هلیبرفم هشدارهای مکرر و تلاشهای مأموران انتظامی پرتاب سنگ به قطارها هر روز دامنه بیشتری می یابد و تاکنون خسارات فراوانی نیز به بار آورده است. پرتاب سنگ تاکنون جان چند تن از مأمورین قطارها و مسافری را گرفته است.

سنگ پیرانی به قطارها در ایستگاهها و روستاهایی که خط آهن از آنها عبور می کند، صورت میگیرد و وسیله ای است که مردم

دکتر هادلی: همه چیز در خدمت صادرات!

وی در قسمت دیگری از سخنانش افزود: باید امکانات و تواناییهای کشورمان را بسنجیم، از بازارهای داخلی چشم پپوشیم، به فراسوی مرزهایمان نگاه کنیم و از تمامی عوامل برای گسترش صادرات سود ببریم.

رئیس کل بانک مرکزی رژیم در شرایطی خواهان چشم پوشی از بازار داخلی و اختصاص تولید به صادرات شده است که کمبود و گرانی کالاها در بازار داخلی مردم را به جان آورده است!

دکتر هادلی رئیس کل بانک مرکزی در جلسه مشورتی سیستم بانکی و گسترش صادرات، سیاست جایگزینی واردات را مورد انتقاد قرار داد و گفت این سیاست ما را از تکنولوژی زمان عقب می اندازد. وی مدعی شد که مابه کشور خودمان به عنوان قطب توسعه منطقه نگاه میکنیم و معتقدیم که تولیدات ما نباید فقط برای مصرف داخلی باشد، بلکه باید برای کل منطقه طرح ریزی شود.



در دفاع از جنبش زنان

من به روسیه عشق می‌ورزم

مقاله‌ای از ماکسیم گورکی درباره انقلاب ۱۹۱۷

ترجمه توسط هرو-اتریش
از نشریه عصر جدید شماره ۵ سال ۹۰

بخش نخست

طرح کردن فقرمادی و معنوی جامعه به هرنوع تبلیغی دست می‌یازند.
گرچه مشکل و خیلی دردآور است ولی باید آراقت، زیرا که مسئولیت همه این گناهان و کارهای سنگین که به دست نیروهای بیگانه از پرولتاریا بر سر خود پرولتاریای آگاه می‌آورند، برگردن پرولتاریا خواهد افتاد. من مطمئنم که یک کارگر آگاه با اعمالی مثل دستگیری سوفیا پانیانگر نمی‌تواند موافق باشد. در خانه خلق در لنگووکا صدها پرولتار اندیشیدن و احساس کردن را آموختند، درست به همان صورتی که با شرکت در ساختمان خانه خلق در نیژنی نوگرا به این تربیت دست یافتند. چنانکه تورگینف گفت: "یک کار خوب هرگز با تمجید و برونخواهد شد" من هم از تحسین حرف نمی‌زنم، بلکه از اینکه ارزش نهادن برای کار خوب را باید بگیریم و روشنفکران ما به این علم باید مسلح شوند، سخن می‌گویم.

می‌خواهند نمایندگان کادتها را از گردهمایی‌های مجلس شورابرون بریزند، از این اصلا سخنی به میان نمی‌آید که بخشی از مردم میهن ما می‌خواهند که انکار و اراده‌اشان را در این مجلس از طریق کادتها مطرح کنند و به همین خاطر است که اخراج نمایندگان کادتها اعمال زور به صدها هزار نفر تلقی خواهد شد. با سرپوش گذاشتن به این ننگ بعدا اعلام می‌کنند که حزب، دموکرات ترین و با فرهنگ ترین افراد این مملکت را که همانا بهترین نمایندگان کارگران فکری به شمار می‌آیند متحد کرده است. نیروهای روشنفکر نباید فراموش کنند که هر آنچه که امروز به وقوع می‌پیوندد به اسم آنها انجام می‌پذیرد و تاریخ کارنامه‌شان را در مقابل شان قرار خواهد داد و هقل و وجدانشان را به تضادت فرا خواهد خواند. در این دنیا فقط سیاست وجود ندارد. انسان می‌بایستی کمی وجدان و سایر احساسات انسانی را در خود حفظ کند.

پرولتاریا خالق یک فرهنگ جدید است. در این کلمات رویاهای باشکوهی چون پیروزی عدالت، خرد و زیبایی، پیروزی انسان بر صفات حیوانی درونی قرار است متحقق بشوند. در مبارزه برای جامعه عمل پوشاندن به این رویاها هزاران نفر از طبقات مختلف به هلاکت رسیدند. حال پرولتاریا قدرت را به دست گرفته و امکان خلاصیت آزادانه وجود دارد. حال وقت آن رسیده است که بر سریم که این خلاصیت به چه صورت تجلی کرده است؟

فرمان‌های حکومت کمیساریای خلق چیزی جز تذکارات روزنامه‌ای نیستند. اینها انشاهایی هستند که انسان روی ابرها می‌نویسد. اگر این فرمانین محتوای با ارزشی نیز داشته باشند، واقعیت‌های هینی امروز اجازه عملی شدن به آنها نخواهد داد.

چند وقت پیش بود که مرا متهم کردند که خودم را به اصطلاح به آلمانی‌ها فروخته‌ام و به روسیه خیانت کرده‌ام و حالا متهم هستم که خودم را به کادتها فروخته‌ام و به امر طبقه کارگر خیانت کرده‌ام. با این اتهامات چیزی از من کم نمی‌شود ولی مرا دلسرد می‌کنند و کدورت خاطر و ناراضیتی بیشتری نسبت به متهم کنندگان در دل من ایجاد می‌شود. وقتی که شما بدون هیچ ملاحظه‌ای همه جابا اتهاماتی مثل خائن، وطن فروش، سودجو و چاپلوس روبرو می‌شوید، روسیه را کشوری تصور خواهید کرد که در آن فقط افراد بی وجدان و پست زندگی می‌کنند، و این در صورتی است که خود آقایان هم روس هستند. چنانکه ملاحظه می‌کنید، حقیقتا مضحک و در همین حال خطرناک است چون هر کسی می‌تواند بتدریج و نامحسوس از طرف اتهامی که این بازی

بقیه در صفحه ۶

گذشته دستاورد قابل ذکری نداشته‌اند مرا از کار کردن به شیوه آنان مایوس کرده است. همه آن تشکلهای غیرمهم عنوان دمکراتیک‌شان چیزی نیستند جز گروه‌های بسته ایدئولوژیک. زنان ایران این گروه‌های بسته را نیز باید همراه با چادر سیاه دور بریزند و طرحی نو در اندازند.

پاریس ژانویه
۱۷ شهریور ۱۳۶۹

ما برای آزادی کلام مبارزه کردیم تا حقایق را بتوانیم بازگویی و بازنویسی کنیم.
گفتن حقیقت شاید از مشکلترین هنرها باشد زیرا حقیقت برای افراد متحجر در شکل ناب آن بدون ارتباط با منافع اشخاص، گروه‌ها، طبقات و ملیت‌ها غیرقابل قبول بوده و نمی‌دانند با آن چه بکنند. این همان خاصیت بسیار قریب حقیقت ناب است، همان چیزی که از همه چیز برای ماضوری تر است. افراد متعصب و کودن برنامه‌ریز در توده‌های کارگر امیدهای را برانگیخته‌اند که در این شرایط تاریخی غیرقابل دسترسی است و پرولتاریای روس را با شکست و سقوط مواجه خواهد کرد. شکست پرولتاریا عواقب ناگوار طولانی مدت را بدنبال خواهد داشت.

واقعیتی چون تاراج ثروت‌های ملی در کاخ زمستانی، در قصر گاچینا و در سایر محل‌های دیگر را با توجه به صورت عباراتی چون "غیرقابل اجتناب" و غیره راهم نمی‌توانم بپذیرم.

من رابطه بین خراب کردن یک تئاتر کوچک در مسکو و زدن جیب معروفترین هنرپیشه تئاتر، ماریا برمولووا در رخت‌کنی را با برهم زدن نظم کهنه صدها هزار ساله دولتی نمی‌توانم بفهمم. در این جا من نمی‌خواهم کلیه موارد میان از خراب کاری‌ها و کشتارهای بی‌خردانه را برشمارم بلکه فقط می‌خواهم بگویم که مسئولیت این فضاخاها که سرکشی‌ها را نیز موجب خواهند شد به پرولتاریا بر می‌گردد. پرولتاریایی که خودش به وضوح قادر به گونه قدرتی است که بتواند خشونت را از صفوف خودش بزداید.

بطور کلی همه‌جا ظواهر منفی خود را نشان می‌دهند، پس چیزهای مثبت کجاست؟ کسی که فرامین لنین و تروتسکی را نادیده بگیرد متوجه این نکات مثبت نخواهد شد.

من یقین ندارم که پرولتاریا در صدور این فرمانین آگاهانه شرکت کرده باشد. خیر اگر پرولتاریا آگاهانه این خلاصیت‌های روی کاغذ را تایید می‌کرد حال و وضع امروز به گونه دیگری می‌بود.

در جشن‌ها که در آن استبداد توده‌های نیم‌هوشیار و پیروزی راحتشان جشن گرفته می‌شود و اشخاص آزاد مثل گذشته و مانند اکنون تحت فشار خواهند بود. ما با این جشنها کاری نیست.

روزی صدای مظلومیت تاریخ حکایت خواهد کرد که کارهای روشنفکران پرولتاری از آغاز قرن نوزده تا شروع جنگ چقدر بزرگ، قهرمانانه و موفق بوده است.

جنگ لعنتی دهها هزار از بهترین کارگران را از بین برد و بجای آنها افرادی آمدند که در پشت جبهه کار میکردند تا اینکه از خدمت ارتش در بروند. همه اینها افرادی بودند بدون منش پرولتاری، غیرسیاسی، خام و بدون درک طبقاتی و آنها یک نیاز طبیعی برای خلق یک مدل جدید فرهنگ پرولتاری بودند. آنها فقط آرزوهای پیش‌پا افتاده‌ای دارند و می‌خواهند به آنها به هر صورت و به هر قیمت جامعه عمل ببوشانند. آنها افرادی هستند که از نظر ارگانی ناقابلند که ایده‌های ناب سوسیالیسم را درک و به آن جامعه عمل ببوشانند. این طور بنظر می‌رسد که بقایای روشنفکران پرولتاری که از جنگ اول و جنگهای داخلی جان سالم بدر برده‌اند در حلقه محاصره افرادی قرار دارند که با آنان از نظر روانی بیگانه‌اند. اینها گر چه بزبان پرولتاری سخن می‌گویند اما با احساس پرولتاری هیچ قربانی حس نمی‌کنند. افرادی که با رای و آرزو و رفتارشان، بهترین قشر طبقه کارگر دچار سرشکستگی و نابودی خواهد شد. غریزه‌های تحریک شده توده‌های ناآگاه نمایندگان آنا رشیست حیوان صفت خود را یافته‌اند.

این رهبران دفل و خطاکار سوسیالیسم را تکامل نمی‌دهند بلکه پیش برنده جنبش بوگاف بوده و برای

نهادیم و هنوز تا آغاز کارهای نو احتیاج به بازسازی ایده و اندیشه خود داریم. واحد مستقل زنان ما را دریافتن شیوه‌های جدید مبارزه یاری می‌دهد. وقتی یاد گرفتیم که چکار باید بکنیم آنوقت می‌توانیم بگوئیم که چگونه و در کجا کار در بین زنان را آغاز کنیم یا وارد جنبش‌ها می‌شویم. وجود زنان بشویم، مسلما این امر مستلزم پیدا کردن زبان مشترک حداقل با بخش پیشرو زنان ایران است. تشکلهای روشنفکری زنان ایرانی در خارج کشور که متأسفانه طی سال‌های

زنان است. این سازمانهای زنان بویژه در درون احزاب کشورهای اروپایی جایگاه ویژه‌ای دارند. برخلاف درک فلتطبعی‌ها ایجاد واحد زنان به معنی گرایش به حزبیت کلاسیک یا سرمبندی تشکیلات به اصطلاح دمکراتیک نیست. از نظر من داشتن چنین واحدی به معنی تربیت و تجمع کارشناسان مسائل زنان است. سازمان مادر حال بازسازی چهره کلی خود و قرار گرفتن در جایگاه واقعی ملی-دمکراتیک خویش است. این جنبش باید پیوند نزدیکی با جنبش عملا موجود زنان در داخل کشور داشته باشد و این امر مستلزم داشتن افراد و کارشناسانی است که فکر و ذکرشان دنبال کردن مسئله زنان باشد و در این عرصه بسیار گسترده قلم و قدمشان به خاطر زنان در حرکت باشد.

ما در سال‌های گذشته به دلیل درک نادرستی که از مسئله زنان داشتیم هرکسی را که روی حقوق مستقل زنان پانشاری می‌کرد فمینیست می‌نامیدیم و حتی بعضی از ماها فمینیسم را بخش می‌دانستیم. قائل از آنکه فمینیسم جنبه‌های مثبت و با ارزشی داشته که محصول سالها مبارزه زنان کشورهای پیشرفته برای دستیابی به حقوق خودشان بوده است.

فمینیست‌های چپ که برای رفع تبعیض اجتماعی و داشتن حقوق برابر با مردان در تمام عرصه‌ها مبارزه می‌کنند اکنون مورد تایید تمام احزاب آزادیخواه و جنبش‌های ترقیخواه هستند. حتی آن بخش از فمینیست‌ها هم که صرفا با مردان مبارزه می‌کنند خود بیانگر وجود نابرابر تاریخی - اجتماعی بین زن و مرد در جوامع مختلف هستند. من شک ندارم که جنبش زنان ایران همراه با جنبش مردمی اعتلا خواهد یافت و از پس این سال‌های سیاه که بر زنان ما گذشته است نیروی سازنده‌ای آزاد و بالنده سر بر خواهد آورد. نسلی که در حال حاضر در دامن مادران و زنان آزاده پرورش می‌یابد گردن به زیر یوغ ارتجاع نخواهد داد. من آینده این جنبش را بسیار روشن تر از سایر جنبش‌های اجتماعی می‌بینم و به همین خاطر پیشنهاد می‌کنم:

۱- یک گروه کار ویژه مسائل زنان متشکل از متخصصین و افراد با تجربه در مسائل زنان تشکیل گردد.

۲- این گروه خود و نیز به کمک هلاقمندان به این مسئله به امر ترجمه، تحقیق و ارائه تحلیل از وضعیت زنان بپردازد.

۳- مقالات و کتاب‌های ویژه مسائل زنان تهیه و با استفاده از همه امکانات منتشر شود.

باید بگویم که دیدگاه من نسبت به کار در میان زنان به گونه‌ای نبوده، آن نوع فعالیت در میان زنان که ایجاد تشکل زنان زحماتش محور کارش بود مورد قبول ولی فعلا مد نظر من نیست اکنون معتقدم برای کار در میان توده زنان ابتدا باید موضوع کار را یاد گرفت و سیاست درستی در این رابطه در پیش گرفت و این ممکن نیست مگر با تسلط کامل به همه آن مسائلی که مربوط به زنان می‌شود و بدون آشنایی به آنها کار در میان زنان معنی ندارد. من مخالف ایجاد حوزه‌های مخصوص زنان بویژه زنان روشنفکر هستم مگر اینکه این حوزه‌ها یا جمع‌ها که باید کاملا باز باشند، به کار تحقیق در امور زنان بپردازند. هر زنی که داوطلب همکاری با گروه کار زنان می‌شود باید حداقل تخصص را در امر تحقیق و شناخت مسائل زنان داشته باشد. صرف علاقه‌مندی به مسئله زنان نباید ما را به جمع کردن نیروهایی که فقط نشان را اهدر خواهند داد تر قیب کند. در اینجا منظور من از داشتن تخصص خواندن کتاب‌های کلارازا آکین یا روزالوکزامبورگ نیست. اینها جزئی از آشنایی‌های کلی هر زن علاقه‌مند به مسائل زنان می‌باشد. آنچه من تخصص در امر زنان می‌نامم، داشتن شناخت روشن از واقعیت زندگی زنان ایرانی و تاریخ مبارزاتی آن و مسائل حقوقی مربوط به آنهاست و خوشبختانه چنین زنانی در میان ما حتی در غربت تبعید کم نیستند. من امیدوارم زنان روشنفکر و باتجربه سازمان در مدت زمانیکه تا کنگره دوم وجود دارد طرح‌های مشخص خود را برای ایجاد واحد زنان ارائه بدهند و از هم اکنون گروه کار با کیفیتی را آماده نموده و مقدمات فعالیت آن را فراهم سازند، مهر و نشان این گروه کار باید بر تمام تصمیمات اساسی زده شود. روشن است که من بلندپروازی متکمل کردن زنان مهاجر و همچنین رویی سازماندهی جنبش زنان ایران را ندارم. هدف من در حله اول ادامه کارهای تحقیقی قبلی، تشویق به کار جمعی زنان اهل فن و در نهایت تدوین سیاست روشنی در رابطه با مسائل زنان است. ماشیوه‌های کهنه کار و فعالیت را به کنار

نخستین کنگره سازمان ظاهر ابدلیل کمبود وقت و در واقع بخاطر عدم توجه کافی به مسائل زنان موفق نشد گروه کار ویژه‌ای را برای پیگیری جنبش زنان ایران انتخاب و فعال کند به نظر می‌رسد درک نادرست از جنبش زنان و همچنین کم‌بها دادن زنان شرکت‌کننده در کنگره به مسئله ویژه خودشان، بررسی و راه‌جویی برای نفوذ زنان امکان پذیر نشده است و این امر در برهه زمانی فعلی جای تاسف بسیار دارد زیرا یکی از مشکلات اساسی جامعه ایران در تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی پاتمال شدن حقوق زنان بوده است. سران جمهوری اسلامی با نصف آدم حساب کردن زنان و مهجور و ضعیفه نامیدن آنان دشمنی آشکار خود را با نیمی از جمعیت ایران نشان می‌دهند.

زن مظهر زندگی، زاینده‌گی و زیبایی است و آنان که زنان را خوار کرده و باز دشمنی می‌ورزند در حقیقت دشمن عشق و زندگی و پاسدار مرگ و بندگی هستند و بی‌جهت نیست که دنیای متمدن بزرگترین هیب جمهوری اسلامی را بر خورود فیر انسانی این رژیم با زنان می‌داند.

اگر در جامعه ایران آزادی و دمکراسی پایمال شده است، اگر امکان انتخاب شغل دلخواه و سرگرمی و هنر مورد علاقه وجود ندارد، تو سر خوری تحمیل حجاب اجباری و ممنوعیت بسیاری از مشاغل و هنرها از رفاهان‌های رژیم جمهوری اسلامی برای زنان ایران بوده است. این همه فشار و اجاب عکس العمل نیز خواهد داشت و دارد امروز در برابر ستمی که بر زنان روا داشته می‌شود آنان کینه خود را به اشکال مختلف بروز می‌دهند و ناراضی و اعتراض آنان شکل یک جنبش جدی و سرافرازمیت در مقابل حاکمیت بخود گرفته است. فراموش نکنیم که اولین اعتراض سازمان یافته و دسته‌جمعی علیه استبداد فقها درست چند روز بعد از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی یعنی در اسفندماه ۱۳۵۷ توسط زنان صورت گرفت. اگر آن روز بسیاری از مدهیان آزادی زنان این حرکت شجاعانه را محکوم نموده و ارتجاعی و ضد انقلابی نامیدند، امروز دوست و دشمن تایید می‌کنند که این حرکت سمبل یک زنان از اصیل ترین حرکات دفاع از دمکراسی و آزادی در جامعه، مخصوصا در دفاع از حقوق زنان بوده است. جنبشی که اگر از طرف نیروهای مترقی حمایت می‌شد بی شک نتایج گرانبهایی به بار می‌آورد.

دوازده سال از انقلاب می‌گذرد در این مدت زنان هرگز از پائین‌ترین حد همین امروز هم خیابان‌های تهران و شهرهای بزرگ ایران صحنه درگیری‌های روزانه زنان آزاده با مامورین مبارزه با متکرات است و هر روز فریاد حاکمان ضد زن در رابطه با مسئله ججاب بلندتر می‌شود این زنان مبارز هستند که به عنوان مادران شهدا گورستان خاوروان را به صحنه نبرد با پاسداران ارتجاع مبدل می‌کنند و این زنان داددارند که در مقابل دفتر سازمان ملل به عنوان مادران و همسران زندانیان سیاسی نقض حقوق بشر از طرف رژیم را به گوش جهانیان می‌رسانند. زنان ایران در افسریر بر سر کمبود آب با پاسداران درگیر می‌شوند و در کیانشهر خود را جلوی بولدیزهای شهرداری می‌اندازند تا مانع ویرانی سرپناهشان گردند. در چنین شرایطی استثنایی توجه به مسئله زنان اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. من بابیان ضرورت‌های تشکل زنان اصلا قصد ساختن نوعی تشکیلات دمکراتیک و از آن نوع ارگانهایی که زنان را از توده زنان جدا می‌کند و در نهایت ابزار کار تبلیغی حزب و سیاست شخصی بود ندارم. مسئله من این است که زن در جمهوری اسمی دوار بیش از هر مردی در تمام عرصه‌ها تحت ستم است. خطاب من به زنانی است که مسئله خود را جزئی از مسائل جامعه می‌دانند خود را با مردها برابر حساب می‌کنند اما چاره‌ای برای رفع این ستم مضاعف که نیاز به نیروی ویژه دارد تا زود شود نمی‌کنند این امر ضروری به وقت ویژه نیاز دارد.

سازمان در شرایطی به مسئله زنان بی‌توجهی نشان می‌دهد که حداقل دوازده سال سابقه فعالیت در میان زنان را پشت سر گذاشته است. این فعالیت‌ها، هر چند با سیاست فلتطبی نسخه تجربیات گرانمایی را که سرمایه زنان ایران است کسب کرده و در مواردی نیز تخصص‌های منحصر بفردی را ایجاد کرده است از این رو حذف گروه کار در عرصه مسائل زنان حداقل زیانش برای سازمان از دست رفتن این تجربیات و تخصص‌هاست.

هر جنبش اجتماعی و هر حزب سیاسی جدی اهم از راست و چپ و میانه داری واحد زنان یا سازمان

خطاب به کنگره

مطلب زیر توسط یکی از نمایندگان نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای نشریه ارسال شده است. نویسنده ضمن درخواست چاپ آن تأکید کرده است که متن این سخنرانی هر چند برای نمایندگان کنگره تهیه و در یکی از جلسات کنگره ایراد شده است، اما چاپ آن کماکان مفید خواهد بود به علت طولانی بودن، مطلب مزبور در دو شماره درج خواهد شد.

نیست راجع به چی بود، فرستادند و دیگر هیچ، و امروز در اینجای فهمیم که در پلنوم وسیع که رفقای داخل هم حضور داشتند تنها چیزی که مطرح نشده بود، مسائل فعالین ایران بوده است. (درست مثل همین اولین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت!) رفقا با ما مثل کسانی که از پشت کوه آمده اند بر خورد می کردند.

بدبختانه سالهای اخیر مصادف بود با شکل گیری جناح ها و نبرد حاد بین آنها، رفقای داخل از زاویه ای قربانی این دسته بندی ها شدند، نیروی داخل - عمدتاً - در مقابل تنش ها و مسائل خارج کشور موضع منفی داشت. چرا؟ برای اینکه نه تنها مسئله اشان نبود، بلکه فکر می کردند این شیوه برخورد آنها را نبود خواهد کرد. مادر مقابل "قطعنامه کلن" موضع گرفتیم. در مقابل مجازات نویسندگان این نوع قطعنامه ها هم موضع گرفتیم، ما برای خارج نوشتیم: "اندیشه ها را مجازات نکنید، اما این نوع اقدام ها هم از ما چیزی باقی نخواهد گذاشت"، یعنی اگر اشتباه نکنم همان موضعی که برخی رفقای رهبری بعداً گرفتند، حالا نمی دانم چرا آن رفقا جزو با شعورها بودند و ما جزوی شعورها! این برداشت قطعا است. این واقعیتی است که در بندند که هنوز هم - اگر چه کم رنگ تر - وجود دارد! توسط نامه از خارج ارشاد می شدیم که: "رفقا! بیشتر مطالعه کنید و آنقدر خود را سرگرم کارهای کوچک نکنید!" منظورشان هم از مطالعه بیشتر، خواندن مطالب قناس بولتن بود. آری، حضور جنبش فدائی در دوران آخرین موشک باران ها و زنده کردن نام فدائی برای مردم، پس از آن افتخارات تلویزیونی "حزب توده ایران" و "اوهدم حضور هیچ نیروی چپ دیگر، بلند کردن صدای صلح خواهانه فدائیان، کار کوچک بود! شما در اینجا چه کار بزرگی انجام دادید جز گام سپردن در راه تلاشی و از دست دادن نیرو؟ درست است که در ایران هیچ نیرویی در شرایط فعلی نمی آید عضو سازمان شود، اما اهدم تاثیر تبلیغ و بیهوده بودن آن توهم است. آنهم در شرایطی که چشم مردم به دنبال دوستان خود حریصانه می چرخد! چطور می شود دید که پیام ها و اعلامیه ها را می قایند، زیر چادر و کاپشن پنهان می کنند، اما دل را به این خوش کرد که در ایران نشریات ادبی و هنری درمی آید، ناگهان هنرمندان و ادیبان که تا دیروز توی سرشان زده می شد، می شوند همه چیز! این افراط و تفریط همیشه مرض ما بوده است. هرگز هیچ چیز را در جای خود قرار ندادیم، مردم اعلامیه و نشریه مجانی را سر دست می برند و مجلات ۵۰ تومانی را که اصلا مطلب و وظیفه اشان چیز دیگری است جز قشری خاص نمی خردند که آنهم فکر می کنم بیشتر آوبونه های خارج کشور باشند! در کنار اینها کسانی هستند که می خواهند کار سیاسی کنند، به فکر اینها باشید. دچار توهم نشوید که معتقدم می شود در ایران فرمان حمله داد، من فقط می گویم این حساسیت و علاقه وجود دارد، برایش فکری بکنید!

من به روسیه عشق می ورزم

بقیه از صفحه ۵

روسیه برای آنها مثل اسب هایی هستند که زیر نظر باکتریولوژیست های زیر دست و اکسینه می شوند تا آنها در خونشان سرم شفا بخش درست کنند.

بلی کمیساریای خلق چنین آزمایش های بیرحمانه و از قبل محکوم به شکستی را بر روی خلق های روسیه انجام می دهند بدون آنکه در فکر این باشند که این اسب های حقیر شکنجه شده و نیمه گرسنه یک روزی از پادر خواهند آمد.

اصطلاحات اسمولنی به روسیه هیچ ربطی پیدا نمی کند، آنها روسیه را قربانی رویاهای انقلاب جهانی و یا انقلاب در اروپا خواهند کرد. در شرایط امروزین زندگی روسی هیچ گونه جایی برای یک انقلاب اجتماعی وجود ندارد، زیرا هیچ کس نمی تواند با ۸۵ درصد جمعیت دهقانی در یک کشور که دهها میلیون از آنها کوچ نشین هستند انقلاب سوسیالیستی را مهجزه کند. با چنین آزمایش های احمقانه ای از همه پیشتر طبقه کارگر لطمه خواهد دید تا رهبران انقلاب، بهمین دلیل روی سخن من با کارگرانی است که نقش فرهنگی روشنی را در اجتماع بر عهده دارند. این کارگران آگاه انتظارشان را از انتظاران را از حکومت کمیساریای خلق باید مورد مذاکره قرار دهند و خلافت اجتماعی آنان را با دقت زیادی ارزیابی کنند.

ادامه دارد

و اما ارتباط با خارج چگونه بود؟ این ارتباط ارتباطی نامنظم، بی برنامه و بی وظیفه بود. در مورد گروه مافکول پس از مدت ها در سال ۶۰ بود که برنامه منظمی در این رابطه ریخته شد. بر اثر فشارها، رفقای خارج برای منشریات مختلف گروه ها و مطالب ترجمه شده فرستادند. در طول این مدت من قبلاً خبر ندارم - هیچ امکانی نه تنها از طرف خارج در اختیار ما قرار نگرفت، بلکه در مقابل تقاضاهای ما از جمله جهت چاپ برخی مطالب در قطعنامه کوچک - به درست یا غلط بودن آن کاری ندارم و قصدم صرفاً توضیح شیوه و واقعیت است - رفقای خارج برای ما نوشتند: "رفقای خارج کشور می گویند ما پول نداریم! و اما کار برای ما وجود ندارد!" "خب، باشد! خودمان گلیممان را از آب بیرون می کشیم، شما هم آنجا توی سروکله هم بنشینید! این جواب ما به آنها بود. - به دلایل بسیار معتقدم که همس این شهدا در اینجا فقط برای نمایش است، همانطور که ارج گذاشتن به زحمات رفقای داخل در یکی از قطعنامه ها را حسن ختام آن و تعارف می دانم. - در این مدت هیچ پولی به دست گروه ما که رفقای رهبری از کم و کیف آن خبر دارند، نرسیده غیر از ۵۰ هزار تومان! آنهم در شرایطی که هزینه انتشارات بسیار بالا، اجاره خانه های نکستی که رفقای حرفه ای بازن و بچه در آن ساکن بودند، سنگین، قیمت موتور و ماشین سرسام آور بود! رفقای همزیرا پیوز خند می زنی می گویند: "طرف پرت است! اینها دار به سمت فلان و بهمان می رود، مادر این کنگره داریم حساب مارکسیسم - لنینیسم و فلان را روشن می کنیم، اینها هنوز به فکر موتور و ماشین اند! به فکر رفقای حرفه ای اند!" چه کنیم؟ وقتی ماشین تراشه توزیع جلوی کمیته خراب می شود، هتل سلیم حکم می کند به فکر ماشین باشیم، نه دیکتاتوری پرولتاریا! آخر مگر نه این است که اگر یک سازمان درست و حسابی داشتیم که فقط دو سه تانز شمار هجران نه در خارج بلکه در ایران ساکن بود، به چندین موتور و ماشین فقط برای حفظ امنیت خود احتیاج داشتید؟! فکر می کنم آموغ، این موضوع مسئله شما هم می شد!

در این بخش به شعور رفقای داخل و برخورد رفقای خارج می پردازم.

رفقای همزیرا، واقعیت این است که ما هم مثل جمهوری اسلامی با شهیدانمان مظلوم نمایی می کنیم. آن هم نه برای مردم، بلکه برای تشکیلات! در ایران هم مردم دارند زیر بار گرانی و بدبختی "شهید" می شوند، آن وقت رژیم خون شهیدان را هلم می کند، این جز مرده پرستی نام دیگری ندارد. بسیار دردناک و در همین حال خجالت آور است که وقتی صحبت فعالین داخل می شود، همه با طعنه اشکی در گوشه چشم فقط از مقاومت آنها زیر شکنجه و شلاق و تحمل شرایط پلیسی و خطر چسباندن اعلامیه صحبت می کنند، ما با رها بار رفقای خارج در این مورد برخورد کردیم، برخورد خارج چگونه بود؟ رفقای رهبری یکی دو نامه که اصلاً یاد

خطرناک را انجام می دهند بازی خورده و روسیه را محل پرورش افرادی و جدان و وطن فروش پندارد. من زحمتکش را دوست دارم و خودم را از آنها می دانم. من برای کار طاقت فرسای آنها احترام قائلم و در یک کلام من به روسیه عشق می ورزم. یادید این جملات کمیساریای خلق خنده های طعنه آمیز سر می دهند، بلی طبیعی است، اما آنها را از بین نخواهند برد. بلی من وطنم را سرسختانه و مسئولانه دوست دارم. من به خلق روسیه شدیداً علاقه مند، از این به بعد من با کارهای احمقانه کمیسارهای خلق شدیداً مرز بندی آشتی ناپذیر خواهم داشت.

به تصور من ایده حداکثرگرایی برای روحیه بی دیسیپلین روسی خیلی مثرر ثمر است. حداکثرگرایی بلند پروازی شجاعانه آنها را بایستی باز پروری کرده و کاربری و فعال بودن لازم را در آنها دوباره زنده کند. در روحیه خواب آلوده آنها خلالت نشانند و آن را شکل بدهد و دوباره زنده کند، اما این حداکثرگرایی که از ناحیه کمونیست های آتارشیست، متعصبین و اسمولنی ها پیاده می شود برای خلق های روسیه و مخصوصاً طبقه کارگر فاسدکننده است.

کمیساریای خلق با توده های روسیه مثل مواد مورد نیاز جهت آزمایش های شان رفتار می کنند. خلق های

سازمانی اشتباه مملک جبران ناپذیر! مانند و آخرین نشریه و اعلامیه و حتی کتاب "گزارش" را هم تکرار کردند! از اوضاع مردم در کارخانه ها و مدارس و خیابانها گزارش دادند. در همان دوران برای مثال فرمی در تشکیلات پخش شد که فعالین باید تعداد پخش اعلامیه، تعداد روزنامه هایی که می خوانند، رادیو هایی که گوش می دادند، با ذکر چند شب در هفته (!) و مواردی از این بندها، این بود که فعالین موظف شده بودند در طول سه ماه حداقل سه ارتباط توده ای برقرار کنند! همان موقع پرسیدیم: "این

مسخره باز چیست؟" گفتند: "از بالاست!" و چون به "سانترال یسم دموکراتیک" معتقد بودیم، فرم ها را به تشکیلات دادیم و هر بار آنها را به امانت هایی که کمتر و کمتر می شد، دریافت کردیم! اعتراض خود را هم گفتیم، ماجراهای خنده داری بر سر سه ارتباط توده ای پیش می آمد، می گفتیم: "نراست!" "بالا!" می گفت: "بدوش!" بالاخره هم بی نتیجه بودن فرمها آنها را از میان برداشت و نه درک "بالا!"

به هر حال، با یورش دوباره پاکسازی خانه ها شروع شد. مسایل های تهران و رودهای شهرها از کتاب و نشریه و اعلامیه و حتی دستگاه تکرار پخش و آموزش و تشکیلات برای محکوم کردن رفقای ما احتیاجی به این اسناد نداشت و تقریباً برای پیدا کردن چنین مدارکی از خانه ها اصرار نداشت، جرم معلوم بود: سرنگونی رژیم! ایده های مختلف تشکیلات با کفیر خواست های متنوع محاکمه می شدند. باز جوا دروغ ها می گفتند، بولف ها زدن، چهره اعضا را محکوم کردند، مسئول را خائن نشان دادند و تحت مسئولیت راکش کردند، شلاق زدند و شکنجه کردند، سر قرار بردند و جرمی عجیب و غریب تراشیدند و راست این است که برخی مواضع خود را ترک گفتند! اما حق سرزنش آنها برای هیچکس وجود ندارد! در مورد به اصطلاح محاکمات، سیستم یکسانی در شهرهای مختلف وجود نداشت! اما شاید جالب باشد بدانید که کمک مالی به سازمان هر چند ناچیز، جزو موارد مهم جرم است و در برخی محاکم برای رفقای زن اجرای قرارها "مردان محرم" - منظور از "مردان محرم" رفیق مسئول یا تحت مسئولیت است - جزو جرم است و شلاق دارد!

رفقا! اطلاعات دقیق و موثق وجود دارد که طرح شعار سرنگونی در بیانیه مشترک یکی از عوامل موثر ضرایب ۶۵ بود که امضای "حزب توده ایران" در کنار سازمان آتارشیست می کرد. رفقای ما را به خاطر سیاست حزب و همداست سیاست "کودتای خزان" و اطلاعات از شوروی بازجویی کرده اند!

ضرایب سال ۶۵ پخش وسیعی از تشکیلات را در و کرد و ریخت توی زندانها، باقی مانده هم پراکنده شدند، اما از قرار معلوم ماجرای گندم زارهای "چن هوا" که روزی "هوشی مین" گرفته بود، راستی راستی واقعیت دارد! دوباره از اینور و آنور افراد مختلف سبز شدند. در برخی از شهرها که رژیم مدهی بود تشکیلات را نابود کرده، گروه های دیگری فعالیت می کردند! اینها گروه هایی بودند که یا ناشناخته بودند و یا امکان مانور داشتند و برخی نیز علیرغم شناخته شده بودن، وزارت اطلاعات فعلاً کاری به کارشان نداشت.

به هر صورت، فعالیت برخی گروه ها ادامه پیدا کرد. چندی بعد حدود ۲۵۰ نفر در استان خراسان دستگیر شدند، اما چون رژیم مانور رهب آور و رد کنند خود را در همان سال ۶۵ داده بود، تبلیغ روی این نوع دستگیری ها کم رنگ شد تا هملاً به دستگیری های فردی و بدون سروصدا انجامید.

فجایع زندانها را هم می دانند! بعد از فاجعه بار آن تنها پس از روشن شدن اسناد مدارک زندانها روشن خواهد شد. در همان دوران رفیقی که در فاجعه ملی ۶۷ اعدام شد، از زندان نوشت: "چه شد؟ چه اتفاقی افتاد؟ از کجا خبره خوردیم؟" این سوالی است که مسئولین سازمان باید صریح پاسخ دهند! باز هم عده ای به فعالیت ادامه دادند اما نه به همان شکل سابق که خیلی گل و گشاد بود. رفقای ایران طبق آنچه از واقعیت می گرفتند کار و فعالیت خود را سر و سامان می دادند. اما رهنمودهای "فیضی خارج" اغلب کار را خراب می کرد. آنچه پیش می رفت عمدتاً فعالیت انتشاراتی و تبلیغی افشاگرانه و کار توده ای بود که هر کس به شیوه خودش پیش می برد، از توضیح این قسمت اجبار می گذرم.

این گزارش مربوط به بخشی از رفقای داخل، ارتباط داخل و خارج و مسائل کنگره از دید آنهاست. به گزارش اعتقاد دارم چرا که فکر می کنم مبنای هر اقدام صحیح، اطلاعات صحیح از واقعیت است. این گزارش را بر مبنای اطلاعات و برخورد های خود و مسائل مربوط به گروه ها و تعیه و در مواردی به دلایل امنیتی سکوت کرده ام. می خواهم شما به این گزارش با داشتن این سوال در ذهن گوش بسپارید:

"رفقا! کدامیک از شما در طول مدت مهاجرتان به رفقای رهبری در مورد گزارش ندادن از وضعیت فعالین داخل، مسائل و مشکلات آنها و در مورد عدم انتقال عقاید آنها اعتراض کرده اید؟"

* * *

سالهای گذشته عده بسیاری از اعضا و کادرهای سازمان در گروه های مختلف ریز و درشت سازماندهی شده بودند. پس از ضربات سال ۶۴ همه ما بسیار خوشحال بودیم که برخلاف رهبری "حزب توده ایران"، رفقای رهبری سازمان توانستند جان سالم بدر برند. شاید اگر می دانستیم که این جانها برای سالها از میهن و مردم و حتی رفقای خود در ایران دور شده اند، آنقدر شاد نمی شدیم. از طرف دیگر تشکیلات گسترده ای در سراسر ایران به حال خود رها شده بود. رژیم مدتی به فکر از دستگیری های منفرد کاری به این تشکیلات نداشت! اما اسناد و مدارک نشان می دهند که رژیم از بخش بزرگی از این تشکیلات مطلع بود و ما ساده لوحانه مشغول همان کار "توده ای و تبلیغی" و غیره بودیم. در اردیبهشت ۶۴ در بیانیه مشترک سازمان و حزب، شعار سرنگونی مطرح شد. تا این زمان رفقای ما به اصطلاح مخفی و به همان فعالیت سابق مشغول بودند. با انتشار این بیانیه لرزه بر اندام تشکیلات افتاد. آخر باز راکس و پلی گپی که نمی شود شعاری را که شکل مبارزه را هم تعیین کرده، پیش برد! شعاری که حتی یک کلمه درباره آن با رفقای ایران مشورت نشده بود. از طرفی با این همه نیرو که آشکارا اغلب شناخته شده در سراسر ایران، زیر دماغ پلیس پخش و پلا بودند، چه باید کرد؟

وضع در شهرها و استانهای مختلف متفاوت بود و ویژگیهای خود را داشت. وزارت اطلاعات از زمان اعلام سرنگونی تا آغاز یورش ۶۵ مشغول تکمیل پرونده ها و جمع آوری اسناد و مدارک که از مدت ها قبل

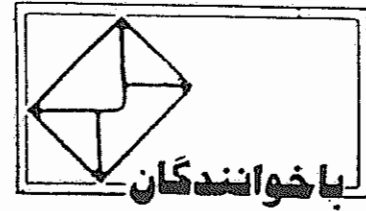
روی آنها کار میکرد، از طریق تعقیب و مراقبت، حکم برداری، ضبط تلفن و غیره بود. وزارت اطلاعات عمدتاً از طریق سپاه و کمیته و نیز برخی ترندها مثل طرح مالک و مستاجر و دفترچه بسیج برخی اطلاعات را در تهران بر بستر دوران فعالیت هلنی سازمان و نیز ولنگار بودن تشکیلات در دوران مثلاً مخفی جمع آوری کرد. این مسئله که تشکیلات به آن بزرگی را چطور میشد مخفی کرد، بهمانند - در شهرستانها هم با استفاده از کوچک بودن محیط و شناخته شده بودن اغلب فعالین و نیز اطلاعاتی که در برخی دستگیری های متفرق دبست آورده بود، به تکمیل پرونده ها پرداخت

پس از آماده شدن پرونده ها، رژیم در فاصله یکسال، یورش گسترده ای را در شهرهای مختلف سازمان داد. شیوه وزارت اطلاعات در شهرهای مختلف، متفاوت بود. رژیم با صحنه سازها و نیز استفاده از اطلاعاتی که افراد از آن بی خبر بودند و یا برایشان مشکل بود کشف کنند از کجا تهیه شده، دستگیری ها را پیش برد و بیش از هزار نفر از اعضا و کادرهای سازمان دستگیر شدند. همه هم در تشکیلات افتاد. وضع در شهرستانها به مراتب بدتر بود. در آن محیطهای کوچک که امکان جابجایی و مخفی شدن وجود نداشت، هر کس که می توانست جان خود را بر دو صد البته کار درستی کرد و هر کس نتوانست، ماند و دستگیر شد! بسیاری از این رفقا در اهدامهای سال ۶۷ جان باختند. برخی در هغو بهمن ۶۷ ازاد شدند و عده ای همچنان در زندانها به سر می برند. درست مثل لشکری که فرماندهانش فرمان حمله داده اند و خود میدان جنگ را نظاره می کنند و فرماندهان کوچکتر هم یا آماج اولین تیرها قرار گرفتند و یا فرار کردند. صدها فدایی را برودند و به زندانها ریختند. نوک حمله رژیم متوجه مسئولین گروه ها بود و در بسیاری جاها به سلوچ پائین تشکیلات کاری نداشت. آنهایی که در آخرین حملات دستگیر شدند، اخبار یورش را شنیده بودند اما ماندند و به فعالیت ادامه دادند. نمیدانم اسم آنرا چه می شود گذاشت! شاید برای آن رفقا فداکاری و برای یک

قسمتهایی از مقاله

سخنی با مقاله چرا جبهه جمهوری خواهان

مطلب زیر بخش سوم از مقاله ای است که در پاسخ به مقاله "چرا جبهه جمهوری خواهان" از آقای بابک امیر خسروی، برایمان ارسال شده است. مقاله "چرا جبهه جمهوری خواهان" در نشریه راه آزادی درج شده و خلاصه ای از آن نیز در صفحه خبرها و نظرهای نشریه اکثریت به چاپ رسیده است.



مبارزه حول دموکراسی و شعار انتخابات آزاد

چندی قبل از طریق نشریات سازمان سند اهداف سیاسی و رئیس خط مشی ما "منتشر گردید، که نکات جالب و جدیدی در آن بچشم می خورد، که می توان آنرا نتیجه بحث ها و مصوبات اولین کنگره سازمان و همچنین در بعد و سیمتری ثمره نفوذ تفکر سیاسی دوران جدید دانست.

برخی از موضوعات درج شده در این سند که جنبه کلیدی داشته است و هملا راهگشای کار سازمان و تامین کننده اساسی ترین خواسته های مردم ماست، احتیاج به بحث و بیان نظرات مختلف پیرامون آنها دارد. این موضوعات بایستی باز شوند، از زنگارهای ایدئولوژیکی و چارچوبه نگرانی گذشته پاک گردند و دوباره تعریف شوند، به نحوی که بتوانند تاثیر موثر خود را بر اذهان نهاده و اندیشه هایی را که تاکنون در آن جای گرفته اند، متحول سازند و با از بین رفتن دگمها، بتواند اندیشه دوران جدید در آن جاری گردد.

از جمله این شیوه ها انتخابات آزاد است که هیچگونه مخوانی با نظرات گذشته ندارد و از جمله حیل های بورژوازی بحساب می آید. ولی امروزه این دستاورد مبارزات بشریت مرقی به عنوان قویترین ابزار تحقق دموکراسی در جهان بشمار می آید.

مردم از آمریکای لاتین گرفته تا اروپا و آسیا و آفریقا از این وسیله که با روند تمدن جهانی قرابت نزدیکی دارد در جهت استقرار حاکمیتی قانون و دموکراسی استفاده نموده و به فروپاشی نظامهای توتالیتر اقدام نموده اند، این خود نشانگر روند قانونمندی است که چگونه جوامع در جهت مدنیت، حاکمیت قانون و تمدن گام بر می دارند. دیگران زمان که تمامی قدرت از لوله تفنگ بیرون می آمد و جوی خون نشانگر عظمت تحول و انقلاب بود سپری گشته و آن مقولات به اشکال نوینی فرارویدند. امروزه قدرت از درون صندوق آرای مردم سر بیرون می آید و وسعت دموکراسی میزان و نشانگر عمق تحول در یک جامعه می باشد.

بررسی روند تحولات سیاسی، اجتماعی در چند دهه گذشته در ایران ما را به سوی این اصل اساسی هدایت می کند که مبرمترین وظیفه ما پیاده نمودن دموکراسی و اجرای حقوق بشر در ایران است. و فقط تحقق کامل این اصل می تواند ضامن ایرانی مستقل، آباد و پیشرفته و نوید دهنده راهی گردد که در آن عدالت اجتماعی متحقق میگردد. از رجحیت این اصل را بر اصول دیگر اجتماعی هملا در کار پایه سایر نیروهای سیاسی و مردمی در دیگر ملل نیز شاهد هستیم، که چگونه دموکراسی میتواند منشا بسیاری از اقدامات مردمی گردد. ولی اشتباه خواهد بود اگر به انتهای قضیه نظر بیندازیم و شیوه استقرار دموکراسی را در جامعه به دست فراموشی بسپاریم.

اگر اجماع اصلی ما در جامعه استقرار دموکراسی است و مبارزه ما در روند پایه گذاری مدنیت و قانون در جامعه می باشد، راهی جز برپایی نهادهای دموکراتیک در جامعه و اعمال حاکمیت ملی از طریق رای اکثریت مردم بر ایمان باقی نمی ماند. تحول مسالمت آمیز از طریق انتخابات آزاد و تمرکز تمام قوا حول آن و بسیج و سازماندهی مردم در این مسیر و مبارزه در راه بر طرف نمودن موانع سیاسی، اجتماعی که سد راه تحقق دموکراسی در جامعه هستند

از طرق و اشکال گوناگون مبارزاتی کار پایه عملی ما را تشکیل میدهد. جهت رفع موانع و از بین بردن سدهای سیاسی، اجتماعی احتیاج به اشکال گوناگون مبارزاتی است که از قبل مشخص نبوده و بستگی به شرایط مختلف از جمله شرایط خاص زمانی و مکانی معین و عکس العمل نیروی سدکننده دارد. ولی تا حد امکان با چشم پوشی از خشونت و ایجاد جو ترور در جامعه که این خود نتیجه ای جز برقراری دیکتاتوری و استبداد ندارد و با استفاده از مکانیسمهای دموکراتیک در پروسه تغییر و تحولات جامعه بایستی شرایطی را بوجود آورد که حوزه عمل نیروهای را که رویای برپایی اشکالی از دیکتاتوری و استبداد را در سر می پروراند هر چه بیشتر محدود گردد. انتخابات آزاد و دموکراسی در جامعه رابطه تنگاتنگی را با یکدیگر دارا هستند که بدون یکی دیگری از مضمون اصلی خود تهی می گردد. برای بنیادی نمودن دموکراسی و برقراری حاکمیت مردم سالار بایستی از حلقه انتخابات آزاد گذر نماییم و برای اینکه هملا انتخابات آزاد صورت گیرد، رقابت سالم سیاسی جهت کسب قدرت، تعهدی قید و شرط به دموکراسی و حقوق بشر، آزادی مطبوعات و نشریات، آزادی بیان، تشکلات و اجتماعات و تضمین حقوق فردی و اجتماعی در جامعه ضرورت خاص دارد.

شعار انتخابات آزاد بخاطر جامعیت آن، محتوای دموکراتیک آن، و سمت و سوی آن جهت گسترش هر چه بیشتر آزادیهای سیاسی، اجتماعی و پلورالیسم در جامعه و بعنوان وسیله اعمال اراده مردم برای تعیین سرنوشت خویش و تبلور خواست اکثریت آنان در حکومت با منافع تمامی اقشار و طبقات جامعه مترادف بوده و دارای آن کشش اجتماعی خاصی است که هر چه سریعتر نسبت به دیگر شعارها می تواند مورد پذیرش توده های مردم قرار گیرد. از جانب دیگر نفوذ حکومتی قانونی، غیر ایدئولوژیک و غیر مذهبی و امکان هزل و نصب آن حکومت از طریق مردم و اجرای حقوق بشر و آشنا کردن مردمان به این اصول و سوق دادن مبارزات اجتماعی حول این خواسته ها و امکان دستیابی به حاکمیتی ملی از طریق انتخاب اکثریت مردم در خود پتانسیل عظیمی نهفته دارد که به هیچ وجه استبداد حاکم امکان مقاومت بلند مدت به شیوه های گوناگون (مادی و معنوی) در مقابل آن را نداشته و هملا به شکاف در دستگاه توتالیتر مذهبی منجر خواهد شد.

جنبشی که به این اصول دموکراتیک یاد شده متکی باشد و خواست هرگونه انتخابات آزاد را تحت نظارت سازمانهای بین المللی شعار خویش قرار دهد علاوه بر توان عظیم داخلی از حمایت جهانی بشریت مرقی برخوردار خواهد بود.

با همسو نمودن نیروهای داخل و خارج کشور حول مبارزه برای دموکراسی، انتخابات آزاد و حقوق بشر و هموار نمودن مسیر اتحادها، بایستی ایده تشکیل جبهه دموکراسی را در میان احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی تقویت نمود و جبهه راه عنوان اهرم تحول مسالمت آمیز در این مرحله بحساب آورد.

فرزین از فرانکفورت

این مقاله کمی کوتاه شده است

یک محقق ایرانی: زلزله شمال قابل پیش بینی بود

پیش از زلزله زمین ترک خورده و بخار بیرون زده است. از لوشان تا ماسوله در سرتاسر زمین های زلزله زده حیوانات پیش از بروز زلزله واکنش نشان داده اند.

وی در ادامه تحقیق خود نوشته است: زلزله نه فاجعه است و نه مصیبت. ساختمان و تاسیسات ناستواری که خود می سازیم و بر اثر زلزله بر سرمان فرو می ریزد، فاجعه و مصیبت است. از مقاله تحقیقی فوق چنین بر می آید که هلاکیم یاد شده، برای تشخیص قریب الوقوع بودن زلزله کافی بوده و با اندکی هوشیاری و مسئولیت چه بسا جان بسیاری از قربانیان این فاجعه نجات می یافت.

یک محقق ایرانی بنام دکتر بیژن رفیعی سرشکی در سلسله مقالاتی در روزنامه اطلاعات، پیرامون زلزله فاجعه بار شمال کشور مدعی شد، که از چندین روز پیش از وقوع این فاجعه عظیم که بیش از ۵۰ هزار تن قربانی آن شدند، هلاکیمی مبنی بر وقوع زلزله دریافت شده بود. دکتر رفیعی در مقاله خود متذکر شد: روستائیان در بیورزن لوشان گزارش می دهند که از یک چاه ۷ متری یک هفته پیش از بروز زلزله اخیر گاز متصاعد شده بود. در حوالی رودبار آب چاه ها چند روز پیش از زلزله قلقل می کرده است. روزهای پیش از زلزله چند چشمه پدید آمده بود. در حوالی دیلمان

دادند و کردستان هلیه آن ایستاد و در این میان چندهزار نفر جان خود را از دست دادند، از شما رهبران آینده جنبش دموکراسی و حقوق بشر، آیا من اجازه دارم سؤال بکنم، که در معادلات خودتان دوباره جایی برای از بین رفتن چند ده هزار نفر از مردم ملیت ها باز نموده اید یا نه؟ شاید پاسخ من از جانب شما این باشد که: ای آقای، یک خود مختاری برایتان دست و پا می کنم و شاید هم یک فدرال بعد هم بگویند که ما گفتم ولی متاسفانه یاران هم شعار و جمهوری خواهان قبول نکردند. نه خیر آقای عزیز، کلام خود را رسا بیان نمایید و یاران جمهوری خواه خود را به پاسخگویی فراخوانید. (در اینجا باید گفت صد رحمت به آقای فرخ نگهدار رهبر اسبق سازمان فداییان خلق ایران اکثریت، که در بند هشت قطعنامه کنگره اول سازمان، فروتنانه جای خود را بعد از هفت بند جرائم وارده به شورای رهبری جدید تفویض نموده است.!! که یکی از پیش شرطهایش برای همکاری با آن مولفه ها، که شما مبارزان راه دموکراسی میدانید، تعیین تکلیف با مسئله ملی بوده است.) و گرنه جرم و گناه شما تجربه کرده ها بسیار سنگین تر از دوره های گذشته خواهد بود.

آقای امیر خسروی، شما که بقول خودتان از تاریخ گذشته درس هبست گرفته اید و در مقالات خودتان به منشا دیکتاتوری اشاره دارید، نمی دانم چرا کثیرالمله بودن ایران و مسئله ملی را فراموش کرده اید. شاید هم در این مورد خود را به فراموشی زده اید. آیا یکی از منشا های دیکتاتوری در ایران همگام با رشد بورژوازی همانا مرکزیت تام و تمام در کشور کثیرالمله نبوده است؟ آیا خود شما بر این اعتقاد نیستید که تمام بدبختی ها از تمرکز تام و تمام می باشد، که در این مقاله هیچ توجهی به شکل حاکمیت آینده ایران بر اساس واحدهای ملی آن نکرده اید. آیا یکی دیگر از آن منشاها را سرکوب حقوق ملی ملت های ساکن آن کشورها نمی دانید؟ حداقل من تجربه چهار کشور را دارم، اجازه بدهید از دریچه تاریخ به این تجربه بنگریم، توده مردم در اواسط سال ۵۷ در یکی از شهرهای کردستان حرکت های توده ای آفا زین خود را علیه رژیم شاه شروع کرده بودند. چند صبحی نگذشته بود که آقای بختیار برای نجات کشتی و کشتی بان به صحنه سیاست روز آمد. می دانید اولین پیام او چه بود؟ "در کردستان هدهای تجزیه طلب پرچم سرخ برافراشته اند، باید به شدت با آنها مقابله شود". در صورتی که در آن روزها در آن شهر کردستان حتی شعار خود مختاری هم نبود، فقط شعارهای، سراسری تکرار می شد. چرا چنین استنباط کرده بود؟ بهترین بهانه را انتخاب کرده بود. مهانا حافظ تمامیت ارضی بودن (ملی بودن) آقای بختیار (که در تداوم سرکوب حقوق ملت ها، سرکوب سراسری را

سخنی درباره رابطه دموکراسی و حل مسئله ملی در ایران کثیرالمله.

من هر قدر مقالات شما و دیگر رهبران سوسیالیسم با سیمای دموکراتیک و انسانی را خواندم مطالبی را به روشنی در رابطه با حل مسئله ملی نیافتم. فقط گاه ها آن بر خورد کلی می شود و از رابطه اش با دموکراسی در ایران کثیرالمله سخن در میان نمی باشد. پس با خود میگویم، شاید دوباره رفیقان مارکسیست (ببخشید سوسیالیست) من مشغول جبهه سازی شده اند و تجربه تلخ دیگر را می آموزند، اجازه بدهید از من رانگاهی گذرا بیفکنیم. روزگاری همینکه اسم جبهه به رهبری امام به میان آمد، یکباره

بخشی از مارکسیست ها، بخشی از ایران که محل سکونت ملتی بود، مامن ضد انقلاب شد. گفتم شاید دوباره شما ترسیده اید که آنجا نکند مامن ضد انقلاب جدیدی شود و به این دلیل شما آن اسم نبرده اید. اما با خود گفتم شما پیروان سوسیالیسم با سیمای دموکراتیک و انسانی با گذشته خود خداحافظی کرده اید، ولی پس چرا خبری نیست شاید حالا منافع عموم بشری، انگراسیون و یا جبهه جمهوری خواهان (چپ ایران) همیشه از ترس بورژوازی و تفکر به ارث رسیده از نیکان، بخش های اشکالی توسط نیکان اجدادی خود دانسته و مثل اینکه می دانند، اجازه نمی دهد، که من کرد را بیاد شما بیاندازد (که در کردستان ایران مردم روستا و شهرهای قتل عام می شوند، در کردستان عراق کوچانده، سوزانده و یا به باران شیمیایی می شوند، در کردستان ترکیه سلب هویت میشوند و بنام ترک کوهی از آنها نام برده میشود و در نهایت آخرین منزل آنان زندان می باشد و در کردستان سوریه حتی اجازه برگزاری اعیاد ملی خود را ندارند).

نمی دانم! چرا این همه از حقوق بشر سخن گفته اید، حتما مواد حقوق بشر را هم بدقت می دانید. پس اعتقاد به حق تعیین سرنوشت هر ملت بر پایه رای آزادانه آن ملت دارید؟ ولی چرا آن نام نمی پرید؟ می دانم که جمهوری خواهان هم جبهه شما، آقای بختیار ملی دموکراتیک و مولفه های مبارزان راه دموکراسی پان ایرانیست می باشند و کردستان را جزو ملک آبا و اجدادی خود می دانند و کلا هیچ توافقی با حل مسئله ای بنام مسئله ملی ندارند. اما پس در این میان حقوق بشر شما کجا می رود، نمی دانم؟! الله و اعلم. شاید خود شما هم به جرگه پان ایرانیست ها پیوسته اید. باید در اینجا من کرد به شکل روشن تاکید کنم، که در جمهوری آینده شما، پس خواست من از این خواست شما جدا می باشد. همانطور که در تهران مردم به جمهوری اسلامی رای

شروع کنند و بیرون آفتاب بختیار (اگر همراه تاریخ به جلو آیم، در ۲۸ مرداد ۵۸ رژیم جمهوری اسلامی بعد از حمله به کردستان، حمله به تمام سازمانها و نشریات سراسری ایران را آغاز کرد و بعد از آن هنوز چند ماهی از پیام آبان ماه امام خمینی نگذشته بود که مجددا به کردستان حمله کرد و در ادامه آن حمله به دانشگاه ها مجددا به سازمانهای سیاسی بود در عراق از این نمونه ها فراوانند و در ترکیه در همین امسال ۱۹۹۰، وقتی یورش رژیم اوزال به کردستان شروع شد، بلافاصله حمله به آزادی ها (حداقل موجود درون جامعه) آغاز شد و حدود ۱۵ نشریه که قانونی منتشر می شدند، توقیف گردید. این سیاهای جزئی از آن منشاها بود. آقای امیر خسروی شاید بگویند که کردها مقصر هستند که دیکتاتوری را بوجود می آورند. شاید به این دلیل که مبارزه مسلحانه می کنند. خیر، ملت کردها همیشه و در درجه اول خواستار راه حل سیاسی حقوق حقه خود با استفاده از مبارزه سیاسی بوده است. این ملت کرد نبوده است، که مبارزه مسلحانه را برگزید. بلکه همیشه رژیم های حاکم این شکل مبارزه را تحصیل کرده اند. و در کنار آن رژیم های اشغالگر کردستان یکدم از خناسی و توطئه خافل نبوده اند و این پارامتر را هم نباید فراموش کرد که رژیم های منطقه برای تحت فشار قرار دادن یکدیگر در طول جنگ و یا گاه در ابتدای آن، آتش بیار معرکه بوده اند و برای مدتی محرک تداوم و یابوری دقل کار بوده اند که در بعد هم مشترکا آنها را سرکوب کرده اند.

کمی به دقت به اطراف خود بنگرید، سرزمینی را که بنام ایران میشناسید، خواسته های افراد موجود در آن، تمامیت ارضی دلخواهتان را مورد توجه قرار دهید و بعد شعار دلخواهتان را بردارید. اگر کمی به دقت می نگریند که در ایران شما ملل مختلفی ساکن هستند با خواسته های مشخص خود، حتما حل مسئله ملی را که لازم و ملزوم دموکراسی می باشد، فراموش نمی کردید. البته این برخورد شما مقداری برای من طبیعی است، زیرا که برای سازمانهای سراسری حل مسئله ملی از جایگاه ویژه ای برخوردار نبوده و اگر هم بخشی از آنها توجه نموده اند، بر اساس سیاست روزانه بوده نه حل مسئله ملی، البته در این زمینه سخن فراوان است، که در این مقاله نمیگنجد.

بهر صورت نمی دانم! خدا اگر جبهه جمهوری خواهان سر کار آید ملت های ساکن ایران از جمله ملت کرد هم خواست حکومت فدرال و یاحکومت مستقل خودشان را فرستاده مرکزیت تام و تمام و تمامیت ارضی داشته باشند. آیا دوباره کارشان با کرام الکاتبین نخواهد بود؟!

ریوراکگوست ۱۹۹۰

پیروزی محافظه کاران در انتخابات آلمان

شدن کارخانه هایی که نمی توانند خود را با شرایط نظام سرمایه داری انطباق دهند، به مهاجرت از شرق به غرب خواهد انجامید.

مشکل دیگر، مسئله مسکن است. در غرب آلمان، بین ۱/۵ تا ۲/۵ میلیون واحد مسکونی کمتر از حد نیاز وجود دارد. صدها هزار نفر بی خانمان اند. تنها در شهر کلن، شمار افراد بدون مسکن بالغ بر ۴۴ هزار نفر است. در شهرهای دانشگاهی، دانشجویان در چادر، کابین های کشتی های از کار افتاده و اتاق های سیار زندگی می کنند. سهم اجاره در مخارج خانواده ها پیوسته رو به افزایش است. برای نخستین بار در تاریخ آلمان غربی، در سال ۱۹۹۰ مساحت مسکن به ازای هر نفر کاهش یافت. طبق تخمین یک موسسه اقتصادی در دوره ده ساله آینده برای حل

انتخابات دوم دسامبر بوندستاگ، پارلمان فدرال آلمان، به پیروزی ائتلاف راستگرای حاکم بر این کشور انجامید. "دمکرات های مسیحی" به رهبری هلموت کول صدراعظم آلمان در نخستین انتخابات سراسری پس از وحدت این کشور، به ۴۳/۸ درصد آرا، و متحدشان، حزب لیبرال که گنشر وزیر خارجه برجسته ترین چهره آن است، به ۱۱ درصد آرا دست یافتند. بنابراین، ائتلاف حاکم خواهد توانست همچنان از حمایت اکثریت نیرومند نمایندگان پارلمان برخوردار باشد. حزب سوسیال دمکرات آلمان که اسکار لافونتن نخست وزیر ایالت سار را نامزد صدارت عظمی کرده بود، تنها حزب سوسیالیسم دمکراتیک، جانشین حزب حاکم سابق آلمان شرقی، در غرب آلمان هم آرایی بدست نیاورد و تنها توانست با اتکا بر حدود ۱۰ درصد آرای شرق آلمان، به پارلمان راه یابد. حزب سبزهای آلمان غربی نیز برخلاف دو دوره متصادمی پیشین، نتوانست به حد نصاب ۵ درصد آرا برسد، و بنابراین در مجلس فدرال حضور نخواهد داشت. اما متحدان سبزها در شرق آلمان، به پارلمان راه یافتند.

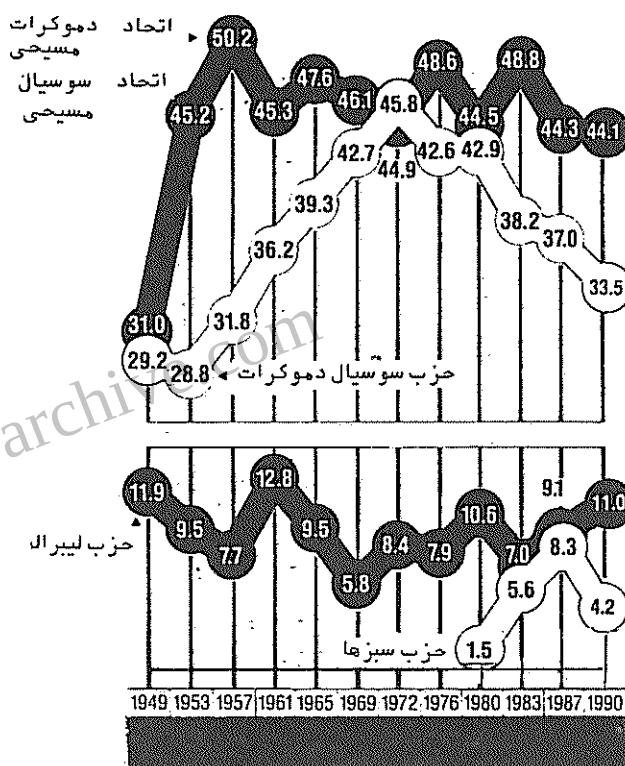
دولت هلموت کول، که کوشید در جریان مبارزه انتخاباتی دشواری های ناشی از وحدت آلمان را کوچک و بی اهمیت جلوه دهد، در چهار سال آینده با مشکلات بزرگ اقتصادی و اجتماعی مواجه خواهد بود. در ۵ ایالت جدید شرق آلمان، تنها ظرف یک سال آینده بنابه برآورد کارشناسان اقتصادی ۱/۸ میلیون نفر بیکار خواهند شد. در حالی که در پایان سال ۱۹۸۹، ۹/۵ میلیون تن در آلمان شرقی مشغول به کار بودند، تا پایان سال ۱۹۹۰ این تعداد به ۶ میلیون نفر کاهش خواهد یافت. تعطیل

تدریجی مشکل مسکن ساختمان سالانه ۵۰۰ هزار واحد جدید لازم است، در حالی که در سال ۱۹۹۱ در غرب آلمان تنها ۳۰۰ هزار واحد ساخته خواهد شد.

هلموت کول که در آستانه انتخابات قول داده بود برای بهبود زیرساخت اقتصادی در شرق آلمان و غلبه بر مشکلات ناشی از وحدت، بر مالیات نخواهد افزود، نخواهد توانست به این قول خود وفادار بماند. برای ساختن جاده، راه آهن، خطوط تلفن و تأسیسات تصفیه آب در آلمان شرقی، میلیارد ها مارک بودجه دولتی لازم است. تنها در این سرمایه گذاری در شرق آلمان رفعت نشان خواهد داد.

با در نظر گرفتن همه این دشواری ها است که سوسیال دمکرات ها معتقدند موضعی که در یک سال گذشته علیه تعجیل در وحدت آلمان اتخاذ کرده اند، در درازمدت به تقویت حزبشان خواهد انجامید.

تغییرات آرا احزاب همده آلمان فدرال از سال ۱۹۴۹

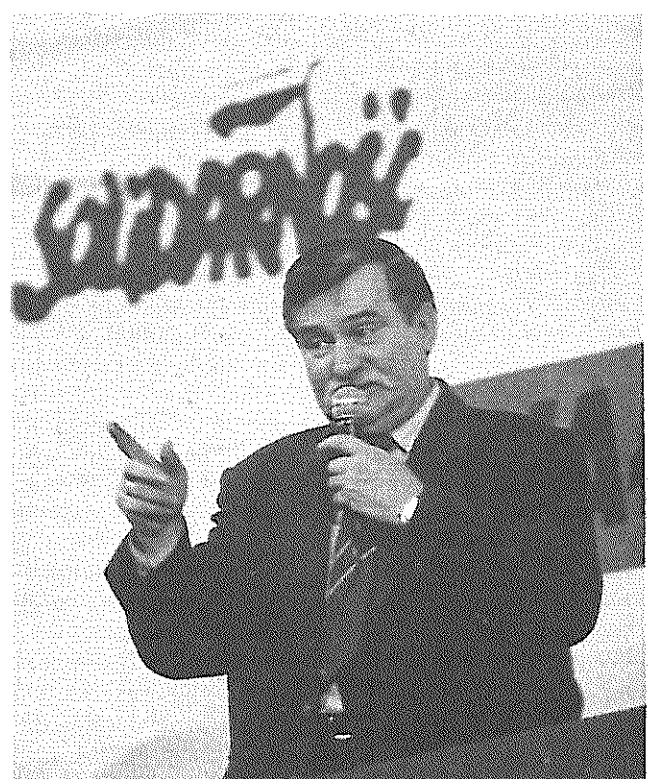


لهستان :

انتخاب میان بد و بدتر

احتمال قریب به یقین، از این انتخابات لخ والسا پیروز بیرون خواهد آمد. اما برای والسا، این

نهم دسامبر، تاریخ برگزاری مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری لهستان است. به



اظهارات نجیب الله درباره مذاکراتش در ژنو

نجیب الله رئیس جمهور افغانستان در گفتگویی با روزنامه انگلیسی ایندپندنت اظهار داشت که طی مذاکرات محرمانه اوایل آذرماه خود با رهبران پنج گروه از هفت گروه اصلی شورشیان در ژنو، به آنها طرحی برای پایان دادن به جنگ داخلی ۱۲ ساله کشورش ارائه کرده است. نجیب الله افزود در این طرح، روی کارآمدن یک دولت موقت با شرکت نمایندگان شورشیان پیش بینی شده است. رئیس جمهور افغانستان گفت در مجموع، مذاکراتش با رهبران اپوزیسیون روال مثبتی داشته است. وی از جمله وظایف دولت موقت پیشنهادی خود را قطع درگیری های مسلحانه و تدارک انتخابات آزاد تحت نظارت سازمان ملل دانست. با این حال نجیب الله خاطرنشان کرد که تباحث رقابت ها میان شورشیان مانع پیشرفت روند صلح شده است. وی افزود به ویژه گلبدین حکمت یار رهبر بنیادگرای

سرنوشتی

رژیم هابره در چاد

رژیم حسن هابره در کشور آفریقایی چاد با تصرف نجاشا پایتخت این کشور توسط نیروهای "جنبش آزادیبخش میهنی" به رهبری ادیس دبی، سرنگون شد. دبی پس از به قدرت رسیدن اعلام کرد که در چاد آزادی مطبوعات و سندیکاها و نیز آزادی عقیده و سندیکاها و نیز آزادی عقیده و مذهب برقرار خواهد شد. رهبر جدید چاد حسن هابره رئیس جمهور فراری را متهم به استبداد و فساد کرد. دبی گفت چاد که در گذشته مدت ها با لیبی اختلاف مرزی و درگیری داشته است، می خواهد از این پس سیاست حسن همجواری را در قبال همسایگانش در پیش بگیرد. به دستور دبی، بیش از ۴۰۰ اسیر جنگی اهل لیبی هفته گذشته آزاد شدند.

لهستانی، نمونه موفق آن است. این واژه برای طرفداران تیمینسکی، افسون خیره کننده ای دارد: رویای شیرین دلارهایی که با آنها خیابان ها را قرقر کرده اند و کافی است خم شوی تا سهمت را بگیری! اما والسا نیز در مورد خطاب قرار دادن این روحیه و این آرزوهای شیرین، دست کمی از تیمینسکی ندارد. کارگر سابق کشتی سازی گدانسک، گفته است که اگر به ریاست جمهوری برسد، به هر لهستانی مبلغی پول خواهد داد تا مردم "کارخانه ها را بخرند و ثروتمند شوند". به والسا لقب "مارشال پیلوسودسکی کوچک" داده اند. مارشال پیلوسودسکی، دیکتاتور لهستان در فاصله دو جنگ جهانی بود و مظهر ناسیونالیسم لهستانی محسوب می شود.

بسیاری، ظهور پدیده هایی مانند والسا و تیمینسکی را ناشی از یک گرایش عمومی در اروپای شرقی می دانند: گرایش به انتخاب رهبران پوپولیست به جای روشنفکران. چشم انداز موفقیت هوافرینی که بر بدوی ترین احساسات ناسیونالیستی سوار می شوند و به توهمات درباره رفاه و آسایشی که به سادگی بدست خواهد آمد، دامن می زنند، نه تنها در لهستان، بلکه در همه کشورهای شرق اروپا وجود دارد.

تشکیل دولت جدید

بلغارستان

بدنبال استعفای دولت لوکانف نخست وزیر سوسیالیست بلغارستان، گینو گانف معاون فیرحربی رئیس پارلمان این کشور، دولت جدید را تشکیل خواهد داد. حزب سوسیالیست (حزب کمونیست سابق) که اکثریت رادیکال را دارد، و نیز اپوزیسیون هر یک چهار وزیر در کابینه جدید خواهند داشت. حزب دهقانان که ده ها سال متحد حزب کمونیست بود، با سه وزیر در دولت جدید حضور دارد. در بلغارستان کابینه جدید، "دولت کارشناسان" لقب گرفته است. در بلغارستان رسوایی پتاربرون رهبر مستعفی "اتحاد نیروهای دمکراتیک"، ائتلاف اپوزیسیون این کشور، که سال ها برای سرویس مخفی بلغارستان کار می کرده است، اخبار دیگر را تحسین می کرد. قرار داد. وی از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۹۸۹ برای سازمان امنیت بلغارستان گزارش تهیه می کرده است.

دیکتاتور بنگلادش استعفا کرد

روز سه شنبه چهارم دسامبر، ژنرال ارشاد دیکتاتور بنگلادش که در سال ۱۹۸۲ طی یک کودتا به قدرت رسیده بود، از مقام ریاست جمهوری استعفا و اعلام کرد که پارلمان باید یک قائم مقام ریاست جمهوری را بعهده دار وظیفه اداره یک دولت موقت تا انتخابات آتی کند. ارشاد طی یک نطق تلویزیونی گفت نخست پارلمان و سپس رئیس جمهور انتخاب خواهند شد، و افزود خود او نامزد ریاست جمهوری از جانب ژنرال ارشاد در روز ۲۷ نوامبر، یک هفته پیش از استعفای خود، بدنبال کشته شدن بیش از ۷۰ نفر و مجروح شدن ۶۰۰ تن در درگیری های مردم ونیروهای امنیتی، در سراسر بنگلادش وضعیت فوق العاده اعلام کرده بود. اما اپوزیسیون بنگلادش اعلام کرد که خود را ملزم به پیروی از مقررات حکومت نظامی نمی داند.

داکا پایتخت بنگلادش در روز

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمربستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه "کار"
۱۳ مارک	۱۱ مارک	شش ماهه	یک ساله
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه "اکثريت"
۳۹ مارک	۳۲ مارک	شش ماهه	یک ساله
۷۶	۶۲		
۱۵۰	۱۲۰		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO 330

MONDAY 10 DEC, 1990

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
GERMANY

اکثريت

نشریه سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثريت) در خارج از کشور

حساب بانکی: M.ABD
NR. 35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY